

# اثرات زیانبار جنگ بر زندگی توده‌های زحمتکش

این جنگ منافع امپریالیسم و سرمایه‌داران وابسته نهفته است. اینکدآ یا امپریالیسم مستقیما در برآه انداختن این جنگ دخالت داشته است و یا اینکه سیاستهای این دو دولت به نتیجه‌ای منجر شد که عملا در بقیه در صفحه ۶

جهانی از آن سود می‌برند. در اینجا صحبت بر سر این مسئله نیست که کدآ میک از این دو دولت کمتر یا بیشتر ارتجاعی هستند و کدآ میک زودتر جنگ را آغاز کرده‌ها اکنون در چه موقعیتی هستند، مهم اینست که آیا این جنگ از ماهیت سیاست این هر دو دولت ناشی شد و در پشت

سرانجام سیاست دولتهای ایران و عراق به نقطه‌ای انجامید که جنگ خانمانسوزی را به‌سوده‌های زحمتکش هر دو کشور تحمیل کرد. جنگی که برای خلقهای تحت ستم ایران و عراق جز فزونی بختی، خرابی، گرانی و بیکاری، شرعای نخواهد داشت و تنها سرمایه‌داران دو کشور و امپریالیسم

# سرمشق‌نامه جنگ و تأثیر آن بر تضادهای درون‌هیئات حاکمه

جنگ دولتهای ایران و عراق که از مدتی پیش آغاز گشته است بتدریج آثار و عوارض خود را بر کلیه امور و شئون اقتصاد - اجتماعی میهن‌مان ظاهر میسازد. از جمله جنگ کنونی تا نیرات مهمی بر تضادهای و بطور کلی روابط درونی جناحهای اصلی هیئت حاکمه بر جای خواهد گذاشت این تا نیرات تا حد زیادی به سرنوشت جنگ وابسته است اگر چه نمی‌توان سرنوشت جنگ، کوتاه مدت و یا دراز مدت بودن آن را از هم اکنون بطور قطع تعیین کرد، اما بدلیل متعدد، از جمله عوامل درونی و بیرونی، وضعیت اقتصاد - اجتماعی دو کشور، وضعیت نظامی - سیاسی، نفس‌نوده‌ها، و سیاستهای امپریالیسم با احتمال زیاد جنگی کوتاه مدت خواهد بود. وضعیت ظرفیت اقتصاد دو کشور ایران و عراق با آنها اجازه یک جنگ طولانی مدت را نمی‌دهد، زیرا ادامه جنگ از یک سو بر بحران اقتصاد ایران دو کشور را من خواهد زد و اقتصاد آنها را بکلی منلاشی خواهد نمود و از سوی دیگر اقتصاد وابسته بطور کلی کس و توان سازماندهی یک اقتصاد جنگی را ندارد. ادامه جنگ و تشدید بحران اقتصاد ایران، بر بحران سیاسی و نارضایتی توده‌ها خواهد افزود و موجودیت هر دو رژیم را به خطر خواهد انداخت، وابستگی نظامی و توان ارتشهای دو دولت ایران و عراق اجازه یک جنگ دراز مدت را با آنها نمی‌دهد، اگر چه هیچیک از دولتهای ایران و عراق سرسپرد هو عمل امپریالیسم نیستند، اما اشتباه بزرگی خواهد بود اگر تحولات روابط ایران و عراق و مسئله جنگ را در خارج از چارچوب سیاستهای امپریالیسم در منطقه خلیج فارس محاسبه کنیم. بقیه در صفحه ۲

# پاسخی به روزنامه جمهوری اسلامی

محش نامه جمهوری اسلامی که تا کنون با تکرارترین وجهی دشمنی خود را نسبت به نیروهای انقلابی نشان داد و سرتابی این باصطلاح روزنامه همیشه مملو از فحش، دروغ و تحریف حقایق علیه نیروهای انقلابی بویژه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بوده است، در شماره ۳۸۳ خود سه شنبه ۸ مهر ماه سازمان ما را متهم به دفاع از عراق و وابسته به پالیسیانها، اویسی‌ها، معرفی می‌کند. البته این اولین بار نیست که روزنامه جمهوری اسلامی به چنین اتهامات پیشروانه‌ای علیه سازمان ما متوسل شده است این امر از ماهیت این حزب که دشمنی با نیروهای انقلابی و توده‌های بقیه در صفحه ۱۲

# حملات دیوانه‌وار و جنایتکارانه رژیم عراق به مناطق مسکونی و توده‌های بی‌دفاع

طی روزهای اخیر رژیم ارتجاعی و ضد خلقی عراق با حملات نظامی و بمباران شهرها، مناطق مسکونی، کارخانه‌ها و روستاها در خوزستان، تبریز، تهران و... بر اقدامات جنایتکارانه و وحشیانه خود علیه توده‌های زحمتکش افزوده است، در طی این حملات تعدادی از زحمتکشان بی‌دفاع میهن ما کشته و زخمی شدند.

این حملات دیوانه‌وار به شهرها و مناطق مسکونی که از ماهیت ضد خلقی و ارتجاعی رژیم عراق ناشی می‌شود، در زمره وحشیگریهای ست که رژیمهای سرمایه‌داری و وابسته علیه توده‌های مردم مرتکب میشوند. آنچه که برای امپریالیسم، سرمایه‌داران و رژیمهای ضد خلقی و وابسته مطرح است، نه جان انسانهای بی‌دفاع بلکه حفظ موجودیت تنگین خود و تامین منافع امپریالیسم و سرمایه‌داران وابسته است.

نه تنها توده‌های زحمتکش میهن ما بلکه توده‌های بی‌دفاع و تحت ستم عراق نیز از این جنگ صدمات جدی می‌بینند.

مانندتها اقدامات جنایتکارانه و وحشیانه رژیم ضد خلقی عراق را علیه توده‌های بی‌دفاع و بمباران مناطق مسکونی محکوم می‌کنیم بلکه هرگونه اقدامی را نیز از جانب رژیم جمهوری اسلامی علیه توده‌های بی‌دفاع عراق بسدت محکوم می‌کنیم.

# در این شماره:

● اخبار کارگری

● لغو سود و بهره

● هزینه جنگ بردوش زحمتکشان

● هسته‌های سرخ

# ● جنگ ایران و عراق و تحکیم موقعیت ارتش

صفحه ۱۲

تنها تسلیح توده‌ها در شوراهای انقلابی تحت رهبری نیروهای انقلابی ضامن مقابله  
باهرگونه تجاوز، و برقراری صلح است

# جنگ

## و نائیسر آن بر تضادهای درون هیئت حاکمه

بقیه از صفحه ۱

این مطلب بویژه هنگامی روشنتر میشود که سیاست خارجی رژیم بعث عراق را در منطقه خلیج فارس مورد توجه قرار دهیم. سیاستی که در پی نزدیکی هر چه بیشتر با ارتجاعی ترین رژیمهای منطقه و کوشش برای ایجاد محور عراق - اردن - عربستان سعودی جهت سرکوب جنبشهای آزادیبخش منطقه و مقابله با جنبشهای مترقی است که این خود بیا نگر همگرایی روز افزون حکومت بعث عراق با امپریالیسم آمریکا است. بررسی عینی اوضاع منطقه و وابستگی های گوناگون دو کشور ایران و عراق به امپریالیسم نشان می دهد که سیاست امپریالیسم در قبال جنگ کنونی یکی از مهمترین عوامل در تعیین آینده و سرنوشت جنگ است. ناگفته روشن است که منطقه خلیج فارس برای امپریالیسم، چهار نظر اقتصادی و سیاسی وجه از لحاظ نظامی یکی از مهم ترین مناطق استراتژیک جهانی محسوب میشود و باز بودن تنگه هرمز در خلیج فارس که روزانه میلیونها بشکه نفت از طریق آن بسوی کشورهای امپریالیستی روان است، برای دولت های امپریالیستی دارای اهمیت اساسی است. روشن است که تا کنون گسترش جنگ از سوی امپریالیسم و دام زدن بآن به منظور یک جنگ طولانی مدت نمی تواند نامین کننده منافع امپریالیسم باشد. جنگ دولتهای ایران و عراق گزیده در کوتاه مدت و بطور محدود بسود امپریالیسم در جهت وارد آوردن فشار بر حکومت جمهوری اسلامی و تقویت روابط عراق با اردن، عربستان و دیگر رژیمهای ارتجاعی منطقه است، اما طولانی شدن و گسترش دامنه آن موجب میشود که جبهه های جنگ به تمامی منطقه گسترش یافته و موقعیت دولتهای مرتجع و شیخ نشینهای خلیج فارس بخطر افتد و امنیت دلخواه امپریالیسم خدشه دار گردد. در حالیکه جنگ دولتهای ایران و عراق در کوتاه مدت کاملاً بسود امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا است.

جنگ محدود و کوتاه مدت بین ایران و عراق از یکسو یا گسترده تر کردن بحران اقتصادی و سیاسی این دو کشور بر وابستگی های آنها با امپریالیسم افزوده و از سوی دیگر در چهار چوب تضادهای موجود بین دولتهای ایران و آمریکا با تقویت جناح لیبرال و ارگانهای سرکوب بویژه ارتش، گفته را بسود امپریالیسم تغییر خواهد داد.

امولصلط امپریالیسم آمریکا نقش بزرگی در بازسازی اقتصاد وابسته دو کشور جنگ زده خواهد یافت. بازسازی پالایشگاهها، واحدهای پتروشیمی، فولاد و... که در اثر بمبارانهای طرفین آسیب های فراوانی دیده اند، (با توجه به ماهیت حکومت های ایران و عراق) نمی تواند بدون نزدیکی های سیاسی هر چه بیشتر دو کشور با امپریالیسم صورت گیرد.

از سوی دیگر حتی در جنگ کوتاه مدت و محدود این تنها امپریالیست های اروپائی اند که با بالارفتن بهای نفت زیان دیده و منافع آنی آنان بخطر می افتد زیرا امپریالیسم آمریکا بیشترین میزان نفت مصرفی خود را در آمریکا تولید می کند. بنا بر این یکی از نتایج

جنگ کوتاه مدت برای امپریالیسم آمریکا آنست که در محدود تضادهای خود با امپریالیست های اروپائی نقش همز مونیک خود را در منطقه خلیج فارس بیش از پیش تقویت می کند. اعلام بی طرفی و صلح طلبی امپریالیست ها مسلماً دروغین بود زیرا نزدیکی عراق به اردن و عربستان سعودی و منافعی که امپریالیست ها در جنگ کنونی داشتند نشان دهنده نقش آنان در برافروختن نائره جنگ بین دولتهای ایران و عراق می باشد.

سیاست و تاکتیک دولت عراق و تجاوزات گسترده آن منجر به اشغال بسیاری از مناطق و شهرهای مرزی ایران شد. اما بدنبال این پیروزیها، اکنون با دشواریهای روبرو شده است. استراتژی عراق، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و یا حتی الحاق خوزستان به عراق نبود، بلکه استراتژی عراق عبارت از اشغال و حفظ و کنترل شهرهای مرزی ایران و سپس مذاکره با موضوع قدرت بر سر کنترل جزایر سه گانه و ادعاهای مرزی بود. اکنون شرایط و اوضاع جنگ چنان است که عراق برای حفظ پیروزیهای نظامی خود و ناآرامی مدن به اهداف برتری طلبانه خود در منطقه بشدت طرفدار آتش بس برای مذاکره و صلح شده است. زیرا دولت عراق بنا بدلایلی که ذکر شد و نیز مقاومت توده های مناطق اشغالی قادر نیست یک جنگ دراز مدت را تحمل کند. بویژه که اکنون ارتش عراق عمدتاً موضع تعرضی قبلی خود در جنگ را از دست داده و در مناطق اشغالی موضع تدافعی اتخاذ نموده است.

**سیاست دولت ایران در قبال جنگ**  
جنگ تمام عیار ایران و عراق درست زمانی آغاز شد که تضادهای درونی هیئت حاکمه بمرحله بسیار حادی رسیده بود.

این بحران که برز مینه رشد بحران اقتصادی و سیاسی جامعه گسترش می یافت، در درجه نخست نشان دهنده این موضوع بود که هیئت حاکمه ایران در شرایطی که از پایه توده های قابل توجهی برخوردار است قادر به اداره امور و حکومت کردن نیست.

مسئله جنگ بحران اقتصادی و سیاسی حاکم بر جامعه را گسترش خواهد داد و در آینده تشدید مبارزات طبقاتی را بدنبال خواهد داشت. سیر جنگ و نتایج آن برای ایران هر چه باشد، عوارض ناشی از جنگ با توجه به ماهیت طبقاتی حاکمیت، پایگاه توده های جمهوری اسلامی را در پیرو سوزمانی تضعیف خواهد کرد. حاکمیت بیش از پیش در تثبیت خود ناتوانتر خواهد شد. تشدید بحران اجتماعاتی درگیر بهای جناح های اصلی حاکمیت را گسترش خواهد داد.

جنگ در کوتاه مدت بر پایه احساسات ناسیونالیستی توده های خلق، اگر بتواند موجب گسترش پایه های توده های هیئت حاکمه گردد اما این حالت روحی توده ها با فرونشستن جنگ ورشد، ناسیونالیست های اجتماعاتی تغییر کرده و به نارضایتی توده ها دامن خواهد زد.

جنگ در آغاز کار، تضادهای درونی هیئت حاکمه را تحت الشعاع خود قرار داد. حملات متقابل میان بنی صدر و رهبران حزب جمهوری اسلامی، بطور قابل ملاحظه ای فروکش نمود. آغاز جنگ بین ایران و عراق در واقع اعلام آتش بس "نسبی بین جناح بنی صدر و سران حزب بود.

این آتش بس "موقت که از نتایج تبعی جنگ بین ایران و عراق بشمار میرود مشخصاً بسود جناح لیبرال بر رهبری بنی صدر منجر شد. اعتباری که ارتش در این جنگ کسب کرد، موقعیت لیبرالها را بشدت تقویت نمود.

اگر نتایج سیاسی جنگ بطور کلی و در دراز مدت تضعیف حاکمیت را در پی خواهد داشت اما تقویت مواضع لیبرالها و ارتش، جزو نتایج مشخص نیست. آیت الله خمینی در اولین پیام خود به تاکید که بر ارتش و فرماندهان آن و "عدم دخالت عوامل غیر مسئول" نمود، این امر را بخوبی اثبات نمود. در حالیکه سران حزب جمهوری اسلامی و ارگان رسمی آن به حملات همیشگی خود علیه لیبرالها (هر چند بطور موقت) پایان دادند اما بنی صدر و روزنامه انقلاب اسلامی حمله علیه حزب و ارگانهای تابعه آنرا فراموش نکرد. خلاصه تا تیر جنگ بر دو جناح اصلی هیئت حاکمه اینست که جنگ کوتاه مدت موضع لیبرالها را تقویت خواهد کرد، بنفع لیبرالها و بزیان حزب جمهوری اسلامی تمام خواهد شد. اما اگر جنگ طولانی شود (و این احتمال ضعیف است) مواضع حزب جمهوری اسلامی تقویت خواهد شد. به همین علت است که اکنون جناح های از حزب با هر گونه مذاکره و آتش بس مخالفت خواهند کرد اما جنگ تا سرنگونی رژیم صدام هستند، این امر مسلماً در روزهای آینده اختلافات این دو جناح را بیشتر خواهد کرد.

برای اشتراک

از شماره ۷۳ به بعد، با آدرس زیر تماس بگیرید:

بهای اشتراک سالانه ۲۵ دلار  
شش ماهه ۱۴ دلار و سه ماهه ۸ دلار  
دلاری می باشد

درستان و همکاران می توانند کتکهای مالی خود را از طریق  
- کتبه کار - یا ذکر - کد - به سازمان ارسال نمایند. مدار کتکهای  
مالی و - کد - مربوطه در نشخون کتکهای مالی چاپ خواهد گردید.  
فرم اشتراک فوق توسط سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا همکاران  
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به نشر به "کار" اضافه گردیده است.

**نابود باد امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و  
پایگاه داخلیش**

# ★ هسته‌های سرخ کارخانه

## بشابه سنگ زیر بنای سبز پرولتری

### مقدمه:

جنبش کارگری ایران با اوج و فروکش‌هایی، در ابعادی گسترده متناسب با تغییر و تحولات سیاسی، همچنان به پیش می‌رود. اعتراضات کارگری علی‌رغم پراکندگی و سراسری نبودنشان به وفور وجود دارد. جو سیاسی پراکنده کارخانه‌ها حاکم است. اعتراضات اقتصادی و صنفی نیز در فضای سیاسی صورت می‌گیرد. کلمه امپریالیسم و سرمایه‌داری تا اعماق کارخانه‌ها و دور افتاده‌ترین مراکز کارگری نفوذ کرده است. زمینه کار تبلیغی و ترویجی در اکثر موارد کاملاً مهیاست.

تا مین اجتماعی، بیکاری و... ناتوانی حاکمیت در پاسخگویی به دیگر خواست‌های کارگران (از قبیل ۴۰ ساعت کار در هفته، طبقه بندی مشاغل و...) بتدریج دنباله روی کارگران را از حاکمیت کنونی کاهش می‌دهد.

انجمن‌های اسلامی که ارگان‌های وابسته به حزب جمهوری اسلامی هستند ماهیت واقعی شان در نظم خواهی و حفاظت و دفاع از سرمایه‌داری هر روز آشکارتر می‌شود. عملکرد این انجمن‌ها در دفاع از منافع سرمایه‌داران، کارگران را از آنها نومید می‌سازد و دیگر بسیاری از کارگران تمایل چندانی به سخنرانی مبلغان مذهبی در کارخانجات که توسط این انجمن‌ها برگزار می‌شود نشان نمی‌دهند.

اقدام مستقل کارگران در تحقق خواست‌هایشان هر روز بیشتر می‌شود. نمونه‌های چشمگیری از اعمال اراده توده‌ای در کارخانه‌ها به چشم می‌خورد مثلاً در همین چند ماه اخیر (خرداد و تیر ماه) کارخانه‌های "ویسمان" در اصفهان و "صنایع الکتریکی البرز" در تهران به تصرف کارگران درآمد و چرخه‌های تولید و توزیع این کارخانه‌ها تحت کنترل نمایندگان کارگران به گردش افتاد (ذکر این نمونه‌ها نمی‌تواند بعنوان رهنمودی برای کارگران دیگر باشد، فقط منظور نشان دادن وضعیت جنبش طبقه کارگر است) در اکثر موارد ساده‌ترین اعتراضات به اشکال تکامل یافته ترمیم رزها ارتقاء می‌یابد. تصرف کارخانه، دستگیری کارفرما و... نمونه‌هایی است که از قیام تاکنون در حد نسبتاً زیادی وجود داشته است. امروز بحد و فوراً با تشکلهای کارگری و کثرت روز افزون کارگران پیشرو و پرو هستیم. ویراستی دوره بیداری کارگران فرار سیده است.

اما علی‌رغم همه اینها در جنبش کارگری ایران، پراکندگی، خود بخودی بودن، اختلاف سطح زیاد مبارزه در واحدهای مختلف کارگری چشمگیر است. هنوز هم پیوندهای محکمی بین جنبش کارگری و جنبش کمونیستی برقرار نگشته است. طبقه کارگر فاقد ستاد واحد رزمنده و سازمان سیاسی رهبری کننده اش می‌باشد.

جنبش کمونیستی ایران با آنکه دارای قدمتی هفتاد و چند ساله است ولی بدلائل بسیاری که بررسی آن از حوصله این مقاله خارج است هنوز در آغاز راه خویش است.

جنبش کمونیستی از مبارزات روبرو شده توده‌ها عقب مانده و سراسیمه بدنبال آن روان است و از قیام تا انشعاب در سازمان مدام بر تشنگی آن افزون گشته است. اکنون می‌سیم در اشکال گوناگون جنبش کمونیستی را در جنگال خود اسیر کرده، خرده کاری، دنباله روی از حوادث عدم استحکام تشکیلاتی و رشدی رویه، ناتوانی در رهبری و سازماندهی جنبش رویه رشد توده‌ای و... ویژگی بارز جنبش کمونیستی ایران در شرایط کنونی است. لنین در "چه باید کرد" می‌گوید:

"نیروی جنبش امروزه در بیداری توده‌ها (بویژه پرولتاریا صنعتی) و ضعف آن در نارسایی آگاهی و روح ابتکار رهبران انقلابی است".

وضعیتی که او طرح می‌کند و وضعیتی که در این رابطه می‌بیند خوبی بنا بر شرایط ما مصداق دارد. لنین بدرستی روی "نارسایی آگاهی و روح ابتکار رهبران انقلابی" بعنوان "ضعف جنبش انگشت می‌گذارد، وضعی که اگر در شرایط ایران بخواهیم از آن سخن بگوئیم، همچون مثنوی هفتاد من کاغذ میشود، بخصوص اگر از عدم "روح ابتکار" رهبران در ۱۵ ماهه پس از قیام هر چه بگوئیم کم گفته‌ایم.

لازم به تاکید است که در راس این "رهبران"، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بشابه نیروی عمده جنبش کمونیستی، بیش و پیش از همه باید مورد انتقاد قرار گیرد. از آنجائی که عملکردهای "کمیته مرکزی" در نوشته "پاسخ اقلیت به نامه مرکزیت" مورد بررسی قرار گرفته است. در این نوشته با نگاهی مختصر به کارگزیدیکسال و چند ماه "کمیته کارگری" (که مستقیماً در تمام ابعاد تشکیلاتی، سیاسی و ایدئولوژیک زیر نظر "کمیته مرکزی" هدایت می‌شد) از تجربیات منفی آن درس

کمربند، در تلاشمان برای تشکیل حزب انقلابی طبقه کارگران این موخته‌ها را فراراه خویش قرار دهیم.

کمیته کارگری سازمان، پس از قیام تا انشعاب رسمی "کمیته مرکزی" از جنبش کارگری کمونیستی ایران، چه کرد؟

سازمان که تا پیش از قیام نتوانسته بود رابطه سیاسی-تشکیلاتی محکمی با کارگران برقرار کند و این ضعف را در پیرو سه غلیبان انقلابی توده - ها بخوبی لمس کرده بود، پس از قیام با طیف وسیعی از کارگران آگاه و مبارز که بسوی سازمان سرزیر شده بودند روبرو گشت.

این کارگران که با سازمان بر اساس مبارزات خونین، قاطع و سازش ناپذیر گذشته‌اش در مبارزه با رژیم دیکتاتوری شاه پیوند یافته بودند، فدائی و آرماده هرگونه فداکاری‌ها و جان گذشتگی بودند، اما می‌بینیم اپورتونیزم راست که پس از قیام خود را بر سازمان حاکم نمود، با این نیروها تاکنون چه کرده است.

این اپورتونیزم که در فقدان چشم انداز انقلابی و استراتژی انقلابی طفره رفتن از پاسخگویی صریح قطعی و روشن به مسائل اساسی و مبهم جنبش، نداشتن خط و برنامه و تلاش نکردن برای دست یافتن به آن، اساس قرار دادن فعالیت علنی و قانونی گرائی، تعیین تاکتیک از این واقعه به آن واقعه، چرخشهای مداوم صد و هشتاد درجه‌ای بدون کوچکترین انتقاد از خود و نوسانات دائمی متجلی گردیده بود. تاثیرات خود را در عملکرد کمیته کارگری سازمان نیز به بارزتری - وجهی برجای گذارد.

آنچه را که سازمان پس از قیام در زمینه کارگری انجام داده است چنین می‌توان خلاصه کرد:

الف- وجود دهها نشریه "کارگران پیشرو" که نه تنها مضمون تبلیغ و ترویج یکسانی را تعقیب نمی‌کردند، بلکه هر یک سازد لخواه خود را می‌نواختند؛ نشریاتیکه بجای پاسخگویی به مسائل کارگران بیشتر جنبه انجام وظیفه را داشت. گویی هدف در کارخانه "نشریه" صادر کردن بود. مهمتر از همه اینکه در اکثر موارد کارگران پیشرو نقش در سرنوشت این نشریات و این نشریات نقش در هدایت کارگران نداشتند، اگرچه بنام آنها انتشار می‌یافتند. این نشریات بدون اینکه رابطه نشریه محلی و نشریه مرکزی (ارگان مرکزی) را درک کرده باشند و بدون اینکه از یک بقیه در صفحه ۴

# پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

### هسته های سرخ ...

بقیه از صفحه ۳

سیاست مشخص پیروی کنند، پراکنندگی و تشتت را در جنبش کارگری دامن می‌زدند. در یکی راجع به مسائل سیاسی جامعه تحلیل ارائه می‌شد در حالی که نشریه مرکزی هنوز پایش در این زمینه می‌گرفت. لنگید. در نشریه دیگر مسائل مطروحه آنچنان در چهار چوب کارخانه محصور بود که گویی جهان برای این کارگران همان کارخانه است "کارگران پیشرو" اش هیچ خواست دیگری بجز خواستهای صنفی ندارند. اگر نشریه‌ای می‌یافتی که بدرستی مبارزه سوسیالیستی را با مبارزه دموکراتیک پیوند زده باشد و وظیفه خود را موضع‌گیری، تجزیه و تحلیل و ارائه رهنمود مشخص راجع به مسائل کارخانه در جهت پیوند مبارزه آنان با مبارزه طبقاتی در سطح جامعه میدانست، یعنی رابطه نشریه محلی و نشریه مرکزی را خوب درک کرده بود، میتوانست مطمئن باشی که گردانندگان این نشریه بیش از دو دسته اپورتونیستها را نداند...

ب- رشدی رویه تشکیلات، نبود سیاست مشخص در تعیین عمده یا فرعی بودن واحدهای کارگری مخدوش کردن مرز بین انقلابیون حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای، نمود دیگری از نتایج فعالیت ایندوره است. این رفقا نه تنها درک روشنی از انقلابی حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای نداشتند، بلکه تفاوت سازمان انقلابیون و سازمان توده‌ها را نیز نمی‌فهمیدند. آنها با هر کارگر هوادار سازمان ارتباط می‌گرفتند و او را در "سازمان انقلابیون حرفه‌ای" سازمان میدادند! این رفقا بشکلی کور می‌خواستند کمبود کار سیاسی-تشکیلاتی دیروز را با ارتباط تشکیلاتی وسیع امروز جبران کنند. شاید هم فکرمی‌کردند هر چه بیشتر ارتباط کارگری بگیریم زودتر به حزب تبدیل می‌شویم!! نتیجتاً بدون آنکه بدانند این همه نیرو را به کجا می‌خواهند ببرند، یا اینکه سیاست تشکیلاتی مشخص داشته باشند (همچون تمام زمینه‌های دیگر فعالیت سازمان) به هر کارگر سمیات برمی‌خورند، یا یک کاناال ارتباطی با او ایجاد می‌کردند، یا در یکی از هسته‌های کارخانه جای میدادند! آنها بدون اینکه دوره آزمایشی و آموزش برای افراد بگذارند رفقای تازه کار را تا حد مسئولین بالای تشکیلاتی بالا می‌بردند و بدین ترتیب بود که تفاوت نیروهای درجه یک و دو... از میان رفت. معیارها و ضوابط ارتقاء مسؤلیت رفقا در تشکیلات، که می‌توان از آن بعنوان یکی از بهترین سنتهای دوران گذشته یاد کرد، لگدمال شد. تشکیلات غول آسا، اما بشکل بادکنکی رشد کرد و فاقد استحکام لازم بود و بهمین دلیل بود که همواره در این دوره به سرعت کشتار در دانشگاه در اردیبهشت ماه -

تشکیلات کارگری شدیداً زیر ضرب قرار گرفت. در این مورد می‌توان به اخراج بیش از صد نفر از کارگران پیشرو "فاسترویلر" تهران جنوب، ماشین سازی تبریز و دستگیری تعدادی از آنها و دهها نمونه دیگر دستگیری و اخراج یاد کرد.

ج- پراکنندگی فعالیت در بخش‌های مختلف کارگری بدون ارتباط ارگانیک با یکدیگر، گویی مبارزه - طبقه کارگر بجای آنکه سراسری باشد محلی است و مسئول هر منطقه‌ای تنها با مسورت معدود اطرافیان سیاسی خود را پیش می‌برد. این رفقا ناچار بودند که فعالیت طبقه کارگر را تنها در حیطه فعالیت خودشان جستجو کنند و به مبارزه طبقه کارگر از دیدگاه پراتیک محدود خودشان برخورد نمایند و این خود بهترین زمینه مادی برای ظهور اکونومیسم بود.

ندیدن طبقه کارگر بمثابه یک طبقه واحد و به عبارت دیگر تبدیل شدن طبقه کارگر به اجزای پراکنده، علاوه بر بوجود آوردن زمینه‌های انحرافی‌ای چون گروه‌گرایی و خود مرکز بینی در مسئولین، باعث می‌شود که برخی موارد غیر عمده را که درگیر با آن هستند عمده بدانند و مسلم است که نه تنها مسائل عام و عمده جنبش از دیدگاه این نیروها نادیده می‌ماند بلکه نمی‌توانستند از زرده کاری‌های پراکنده و در نتیجه عجیب نبود که می‌دیدیم خوزستان مسائل خود را جداگانه حل میکرد، تبریز راه خود را میرفت، اصفهان روش دیگری در پیش می‌گرفت در اراک ۳ هسته هوادار نمیتوانستند با هم کنار بیایند، قزوین تنها مانده و در تهران حوزه‌های شرق و غرب و جنوب هریک ساز خود را می‌نواختند تا زمانی که مبارزه کارگران در این محدوده‌ها باقی بماند، هیچگاه به سطح مبارزه طبقاتی پرولتاریا ارتقاء نخواهد یافت تا بتواند در مقابل بورژوازی بمثابه یک کل واحد و منسجم به ستیز پردازد و بدین ترتیب هیچگاه طبقه کارگر نمی‌تواند از "طبقه‌ای در خود" به "طبقه‌ای برای خود" تبدیل شود.

ندیدن فردای جنبش کارگری - داشتن حداقل خط و برنامه و سیاست مشخص، تسلیم شدن به شرایط و دنبال اتفاقات روان شدن که بعنوان خصوصیت عمده فعالیت کارگری سازمان می‌توان از آن نام برد، غرق در خرده کاری شدن، دل خوش کردن به ارتباط گیری فراوان با کارگران، خوشحال شدن از موفقیت‌های لحظه‌ای در فلان سندیکا یا فلان شورا، نشریات گوناگون صادر کردن بدون آنکه خط مشخصی وجود داشته باشد، وجه اساسی ایندوره را تشکیل میدهند. آیا تمام اینها ما هیتا تسلیم شدن به شرایط نیست؟ اینگونه اسیر لحظه‌ها شدن و اساس کار خود را نه بر پایه مهارت، هدایت کردن، سمیت انقلابی دادن به مبارزات کارگری، و آینده نگری - ملاحظات پراهمیت و اساسی - بلکه فقط بر پایه شرایط کنونی طراحی کردن آیا اپورتونیسم نیست؟

لنین از کتاب دولت و انقلاب از قول

انگلس در این باره می‌گوید: "این فراموشی ملاحظات پراهمیت و اساسی بخاطر منافع آنی روز، این تلاش در راه کامیابیها و مبارزه برای نیل به این کامیابیها بدون در نظر گرفتن عواقب بعدی، این فدا کردن جنبش آینده بخاطر منافع روزمره - شاید هم انگیزه‌های فادقانه داشته باشد. ولی این اپورتونیسم است و اپورتونیسم هم خواهد ماند و من بر آنم که اپورتونیسم "فادقانه" از تمام انواع دیگر آن خطرناکتر است."

آیا برای حفظ منافع آنی روز برای حفظ فعالیت علنی و گسترش آن نیست که به اخراج کارگران پیشرو و دستگیری آنها توجه زیادی نمیشود؟ یا کشتار دانشگاه پس از دو هفته به فراموشی سپرده می‌شود؟ یا ترور رفقا "توماج و همزمان" با ترور آیت الله صدر، طوری قیاس میشود که سازمان شریک غم حاکمیت جلوه می‌کند؟ و دهها مورد دیگر از این قبیل...؟ و همیمن مسئله است که با رزترین نمود اپورتونیسم راست را که همانا نداشتن خط و برنامه می‌باشد به نمایش می‌گذارد.

ه- و بالاخره از تصفیه معترضین و منتقدین بعنوان عملکرد درونی این بخش باید یاد کرد. بخش کارگری یکی از بخشهایی بود که "کمیته مرکزی" به شدیدترین شکلی سانترالیسم خود را بر آن اعمال می‌کرد. از رفقاییکه با جنبش و عملکرد "کمیته مرکزی" مخالف بودند و همواره به آنها اعتراضی کردند به بهانه‌های مختلف سلب مسئولیت میشد رفقاییکه به خط حرکتی انتقاد داشتند یا از عدم وجود سانترالیسم دموکراتیک گله می‌کردند هیچگاه امکان ارتقاء مسئولیت در تشکیلات را نمی‌یافتند، یا درجا می‌زدند، یا به قهقرا می‌رفتند. تحمیل نظرات در این بخش به شدیدترین وجهی اعمال میشد، مثلاً "ما شاهد بودیم که چگونه از درون حوزه کارگری شرق تهران ضعیف ترین رفیق حوزه را فقط به صرف اینکه (هیچگاه انتقاد نمی‌کرد) وظیفه خود را دفاع کورکورانه از خط "مرکزیت" می‌دانست تا توجیهات گوناگون و با وجود اعتراضات زیاد رفقای حوزه مسئول حوزه نمودند.

البته لازم است اضافه کنیم که اپورتونیستهای توده‌ای، تقصیری ندارند، زیرا اینگونه برخوردها جبر دیالکتیکی روند حرکت در درون تشکیلاتی است که نه از سانترالیسم - دموکراتیک خری است و نه از مبارزه ایدئولوژیک برای تدوین خط و برنامه، از اینرو این مسئله را نیز باید در رابطه با جنبش حاکم بر "کمیته مرکزی" و سیاستهای آنان بررسی کرد. جدا از آن

اکنون که فعالیت یکساله "کمیته کارگری" را در مجموع و بطور خلاصه جمع بندی کردیم لازم است اضافه نمائیم که در عملکردهای برخی بخشهای کارگری سازمان بودند رفقاییکه در کارخانه، بخش یا منطقه فعالیت خود را بطور اصولی انجام

# اخبار کارگری

## شورای شرکت اف.آی.سی. اداره امور را بدست گرفت اما...

دست اندرکاران دولتی بیش از دو ماه شرکت را بایکوت کرده و حقوق کارکنان را نپرداختند تا اینکه خود اداره امور را بدست گرفتند.

شرکت (اف.آی.سی) پیمانکار طرح توسعه تلفن تهران، یکی از شرکت‌های چندملیتی بوده که از شرکت مخابرات پروژه‌های ۲۸۰ میلیارد دلاری را بایک میلیون ریال سرمایه‌پذیرفت. مالکیت این شرکت پنجاه درصد ایرانی متعلق به همسران بانمانخلیج (و پنجاه درصد متعلق به شرکت‌های آمریکائی بود. سران این شرکت در گذشته ضمن انجام پروژه‌های شرکت مخابرات شدیداً با ساواک همکاری داشته و بکارهای جاسوسی مشغول بودند هم اکنون اسنادی نیز در دفتر مرکزی این شرکت وجود دارد که گویای اینگونه نوظنه‌ها و وقایع داده‌های سنگین شرکت مخابرات با کشورهای خارجی می‌باشد.

پس از تیان بهمن ماه، تعداد زیادی از کارکنان آمریکائی فیلیپینی، تایلندی و کره‌ای این شرکت را ترک کرده و کارگران ایرانی بجای آنها مشغول کار شدند. زحمتکنان ایرانی که در ابتدا تخصص کافی در این زمینه نداشتند، پس از مدت کوتاهی با تلاش بسیار نتوانستند در رشته‌های مختلف تبحر لازم را بدست آورند و قادر شوند که چرخهای شرکت را بدست خود بچرخانند. در این زمان شورای کارکنان شرکت از نمایندگان واقعی آنها تشکیل شد و بدنبال آن مخالفت کارفرمایان شرکت با شورانیز آغاز گردید. سران شرکت که تحت پوشش‌های قانونی مشغول خارج کردن ارز از کشور بودند اکنون دیگر با دخالت‌های شورادچار اشکال شده بودند. آنها به هر ترتیبی که می‌توانستند تلاش کردند تا این مانع را از سر راه بردارند. آنها سعی کردند نمایندگان سورا را با پول و رشوه بخرند اما پیوستگی اعضای سورا با کارکنان و اتحاد یکپارچه‌شان در احقاق حقوق خود، تمام نقشه‌های

کارفرمایان را نقش بر آب کرد. شورای کارکنان که مدارک زیادی از سران شرکت در رابطه با خارج کردن ارز بدست آورده بودند بایستنیانی کارکنان دست بکار شد. سورا خارج کنندگان ارز را همراه با مدارکی که بدست آورده بودند تحویل دادستان انقلاب داد. اما خوشحالی کارکنان از این حرکتشان علیه سرمایه‌داران، بیش از یک هفته طول نکشید چون دولتیان هیچ کاری با آنها نداشتند. کارکنان شرکت که انتظار داشتند دادستان انقلاب به محاکمه این افراد بپردازد، اکنون میدیدند که آنها را آزاد کرده است و این مزدوران نیز بلافاصله از ایران گریختند و پس از آن کارکنان بحشم خود نام‌های آنها را که از دسترس فرستاده میشد، میدیدند.

شورای کارکنان، با فرار کارفرمایان، خود اداره امور را بدست گرفت. کارگران با دلگرمی زیادی بکار مشغول شدند. سورا بکمک کارکنان، تمامی کارهای شرکت را بخوبی پیش میبرد. آنها که برای شرکت مخابرات کار میکردند پس از یکماه برای دریافت حقوق خود با نجامه مراجعه کردند اما شرکت مخابرات از پرداخت پول امتناع کرد و گفت "ما اصلاً شما و شورای شما را نمی‌شناسیم که پول بدهیم". دو ماه از این واقعه گذشت. سورا نمیتوانست حقوق کارکنان را پرداخت نماید و تمام تلاشش نیز بیفایده مانده بود. اعضای سورا میگفتند "به هر جایی که مراجعه کردیم عوامل با ما نقلیچ و سورا مخابرات نفوذ داشتند و نگذاشتند کار شرکت از نظر مالی درست شود" سرانجام شرکت بحالت نیمه تعطیل در آمد. نمایندگان کارکنان بدفتر آیت الله خمینی و بنیاد مستضعفین هم مراجعه کردند ولی نتیجه‌ای نگرفتند. دفتر ریاست جمهوری هم دقیقاً از جریان اطلاع داشت ولی نوجهی بآن نمیکرد. بالاخره پس از دو ماه و نیم

شخصی بنام حاج حسین بعنوان نماینده رئیس جمهوری برای حل مساله بشرکت آمد

اوقول داد که بزودی حقوق کارگران را دریافت کند و از آنها خواست کارشان را شروع کنند. پس از مدتی حاج حسین که خودش ناچار آن است گفت حل مسئله از عهده من خارج است! و دیگر هم در شرکت پیدایش نشد.

کارکنان شرکت که دیگر جان بلبشان رسیده بود بی بردند که راه‌های قانونی حلال مشکلات آنها نیست. برای آنها بخوبی آشکار شد که تمام دست اندرکاران دولتی از همان قماش کارفرمایان و حامی آنها میباشند. لذا اعتراض جمعی خود را آغاز کردند.

بدین منظور روز شنبه ۲۵ مرداد ماه کلیه کارکنان شرکت جلوفدفتر مرکزی تجمع کرده و از نجابا تمام وسایل نقلیه شرکت، اعم از ماشینهای سنگین و سواری، طرف نخست وزیر حرکت کردند. تمام خیابان‌هایی که به نخست وزیر می‌رسد بوسیله ماشینهای شرکت بسته شد. کارگران از ورود افراد غیره و موتورسوار به این خیابانها جلوگیری میکردند. حتی افراد سهربانی نیز نمیتوانستند بمنطقه وارد شوند. در همین اثنا سروکله پاسداران و افراد "سیاه جامگان" پیدا شد. آنها کارگران را محاصره کرده و پیوسته اخطار میدادند "منطقه را ترک کنید". کارگران زنجیر بسته بودند و مقاومت میکردند.

پاسداران زودست در پشت بامها مستقر شدند. پاسداری گفت "اگر از بالا دستور برسد همه‌تان را لت و پار می‌کنیم" که کارگری با خشم باو گفت: "انقلاب کردیم تا شما را بالا دستور نگیرید". ترافیک سنگینی در منطقه بوجود آمده بود.

نماینده رئیس جمهوری برای مذاکره با کارکنان میان آنها آمد و از آنها مهلت خواست تا به امور مالی شرکت رسیدگی شود. کارگران قبول نکردند، آنها میگفتند: "از این مهلت ها خیلی داده ایم و دیگر حاضر نیستیم بیهوده منتظر باشیم".

اتحاد و مقاومت کارکنان شرکت، بالائی‌ها را احساستی بوحسب انداخت. مسئولین شرکت محاربات و سیاه مستضعفین به نحس و زبری احصار شدند. حرفیلهای راهمائی و راندکی برای برداسن ما سینه‌ها و وسط خیابانها و باز کردن راهها به

## نامه یک کارگر ناناوا

من دریکی از نانوایی های راه آهن کارمکنم. کارگران نانوایی را معمولاً دهقانان کم زمین و فقیر تشکیل میدهند که به خاطر نامین خانواده مجبور به کار کردن در شهر میشوند و چون فصل کشاورزی معمولاً تابستان است و در زمستان کار ندارند کارفرمایان بدلیل زیاد بودن کارگر در زمستان، دستمزد کارگران را به حداقل ممکن پائین می آورند و هر نوع صدای اعتراضی را با اخراج بیایان میرسانند. ما کارگران نانوایی بدون داشتن بیمه (کارفرمایان معمولاً بستگان خود را بیمه میکنند) حق اولاد، مسکن، سود ویژه و مرخصی سالیانه و یا حتی هفتگی، در بدترین شرایط بهداشتی و امکانات کار میکنیم و هیچ اقدامی هم تاکنون از طرف دولت برای بهتر شدن وضع ماصورت نگرفته است. یکی از کارگران ما که "چونه گیر" است و دوازده سال دارد در صحبت‌هایش میگوید: من یکسال درس خواندم ولی چون پدرم بیروناتوان است من مجبور شدم که درس را ول کنم و بشهر بیایم. آخر غیر از خودم سه خواهر و برادر دارم و تنها آرزویم این است که یک تراکتور داشته‌م و مجبور نبودم بدارم پدرم با این سن کار کند" یکی دیگر از کارگرانمان که هجده سال دارد وقتی راجع به مرخصی سالانه و یا سود ویژه که با تصویب شورای انقلاب سرو صدایش بالا گرفته بود و یا بیمه صحبت میکردیم میگفت این اولین بار است که اینها را میشنود. و چیزهایی که میگوئیم باور نکردنی است. ما از صبح ساعت ۳ تا ساعت ۹ کار میکنیم دوباره از ساعت ۱۰ تا ۱۵ و باز از ساعت ۴ تا ۹ شب کار میکنیم و در آخر شب نه حالی برای شام خوردن باقی میماند و دردیگری. در سال فقط سه روز تعطیل هستیم و آنهم روزهای عزاد بودن حقوق، برای همین کمتر کارگران نانوایی است که یکسال تمام در یک جا کار میکنند و از این موضوع هم کارفرمایان همچنانکه گفتیم استفاده کرده و ما را از تمام مزایا محروم میکنند. بنابراین اگر حکومت راست میگوید و از منافع زحمتکنان دفاع میکند پس چرا کوچکترین قدمی در جهت بهبود وضع ما برنمیدارد.

با رزوی پیروزی برای تمام مبارزان آرمان کارگری

محل تجمع کارگران آمدند. ولی چون ماشین آلات سنگین در اول خیابانها قرار گرفته بود موفق نشدند.

تجمع کارگران ۱۱ ساعت طول کشید و بالاخره مقاومت آنها باعث عقب نشینی مسئولین شد و طبق قرارداد دی که در ساعت ۱۲/۵ شب برای کارگران خوانده شد، شرکت مخابرات موظف شد که تا ۲ روز بعد حقوق عقب افتاده آنها را پرداخت کند. همچنین اعلام شد که از این پس شرکت مخابرات و سرپرستی بنیاد مستضعفین اداره میشود. کارکنان شرکت در ساعت ۱۱ با مداد محمل تجمع را ترک کردند.

باین ترتیب کارکنان مبارز شرکت توانستند حقوق از دست رفته خود را باریابند. اما حاکمیت ما همسایه‌ها و نانوایی‌ها را د بگرد سستی خود را با سورا های واقعی به نمایش گذاشت و نشان داد که تمام اسکان تراستی‌هایی که در پرداخت حقوق کارکنان می‌کرد بدین خاطر بود که اداره امور را از دست سورا خارج نماید

و تنها وقتی به این خواست خود رسید حاضر به پرداخت حقوق کارکنان شد. آنها هم چنین می‌خواستند سورا را در ذهن کارگران خراب نمایند.

از طرف دیگر این واقعه بار دیگر به انقلاب بیون می‌آموزد که در شرایط کنونی شورا‌های کارخانه نباید کنترل خود را بر تولید و توزیع و غیره تا حد بدست گیری اداره امور کارخانه (مدیریت) بپوشانند. بلکه اکنون شورا‌های کارخانه باید عموماً بشکل نظارت و دخالت در تمام امور جاری کارخانه و دفاع از منافع صنفی و سیاسی کارگران در این رابطه باشد. شوراها در شرایط کنونی پیش از هر چیز باید در خدمت بسیج و تشکیل کارگران قرار گیرد.

شورای شرکت اف.آی.سی نیز اکنون با تمام قوا باید در این جهت گام بردارد. آنها باید با نظارت و دخالت خود در تمام امور جاری شرکت همچون گذشته از منافع کارکنان دفاع نمایند.

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

### اثرات زیانبار جنگ برزنگی توده‌های زحمتکش

بقیه از صفحه ۱

خدمت منافع و اهداف غارتگران امپریالیسم قرار گرفته است، در ماهیت امر تغییری نمی دهد آنچه دارای اهمیت عملی است اینست که این جنگ در خدمت منافع امپریالیسم بوده و سیاست و مواضع آنرا تقویت کرده است. امپریالیسم آمریکا در این جنگ منافع و اهداف معینی را دنبال کرده است و آن تلاش در جهت حفظ و تقویت مواضع خود در منطقه خلیج فارس و خاور میانه و نیز تقویت موقعیت و موضع خود در این دو کشور و وابسته کردن هر چه بیشتر آنها بوده است، اما در این مقاله آنچه که مورد بحث ماست تاثیر جنگ، بر وضعیت و مبارزه توده های زحمتکش ایران است. با آغاز جنگ بمب افکنها بی پرواز درآمدند، تانکها بحرکت درآمدند و باران گلوله ها و راکتها بر سر خلقهای تحت ستم هر دو کشور باریدن گرفت. مراکز صنعتی، تولیدی، آموزشی و غیره مورد تهاجم قرار گرفت. پالایشگاههای دو کشور و تاسیسات نفتی آنها با تشکیده شدن و کارخانهها بمراکت بسته شدند (نوردو فولاد) تعداد زیادی انسان های بی سلاح کشته شدند، خرابیهای فراوانی ببار آمده

است، ویرانیهای وسیعی بر جای مانده است و هزاران انسان ستم دیده موزجر کشیده، آواره و بی خانمان شدند. بنا بگزارش روزنامه "النهار" میزان خسارات وارده طی ۹ روز اول جنگ به ۶ میلیارد دلار (معادل ۴۲ میلیارد تومان) رسیده است. (کیهان ۵۹/۷/۹)

این تنها جنبه‌هایی از اثرات زیانبار جنگ است که توده‌های زحمتکش باید بار آن را بردوش بکشند تا کنای منحصربفرد اقتصاد ایران (و همینطور عراق) به نفت خیر از اثرات وحشتناک دیگری برزندگی کارگران و زحمتکشان دارد. با از کار افتادن پالایشگاهها پادان علاوه بر کاهش شدید مواد سوختی چه برای وسایل نقلیه و چه برای سوخت عادی بخصوص بافرا رسیدن فصل سرما، اصلی ترین منبع درآمد ارزی دولت از بین رفته است و این خود موجب اثرات زیادی خواهد شد.

۱- کاهش هزینه‌های جاری دولت (مثلا پرداختهای عادی دولت بکارمندان و کارگران) ۲- کاهش سرمایه‌گذاری های دولت ۳- کاهش پشتوانه ریال و در نتیجه پائین آمدن ارزش پول تاثیر همین موارد برزندگی

کارگران و زحمتکشان چه خواهد بود؟! و لا قدرت خرید آنها یا بعبارت دیگر قدرت تا می بین حداقل نیازهای آنان بدلیل زیر کاهش می یابد:

- ۱- کاهش ارزش پول
- ۲- افزایش قیمت کالاها و وسایل مورد نیاز زحمتکشان (گرانی)، بدلیل کمبود آنها که خود ناشی از علل زیر است: کاهش تولید ناشی از کمبود سوخت و خرابی های حاصل از بمباران کارخانجات، عدم توزیع مناسب مواد بدلیل کمبود سوخت و وسایل نقلیه و نیز احتکار سرمایه داران، خسارات وارده بانبارهای کالاها در بنا درو دیگر نقاط کشور.

ثانیا: تعطیل و از کار افتادن کارخانجات بدلیل فوق موجب افزایش شدید تر بیکاری خواهد شد و با توجه به سیاستهای ضد کارگری یکساله دولت (در مورد بیکاران از جمله منبرداختن حق بیمه بیکاری) کاهش درآمد دولت مسلما امکان اجرای چنین سیاستی را هم شدیداً کاهش میدهد.

مسلم است که هیچیک از این مشکلات تا نیر قابل توجهی بر زندگی سرمایه داران و ثروتمندان نخواهد گذاشت زیرا آنها به پشتوانه درآمد های کلان هر ساله کالایی را بهر قیمتی خواهند خرید و با آنکه بزرگ دو بند های اداری و دولتی و "پارتی بازی" های وسیع، دستشان بپهر کالائی خواهد رسید. بعلاوه آنها خودشان هرگز در صفوف طولانی مواد غذایی و سایر ما محتاج زندگی نخواهند ایستاد بلکه این مستخدمین آنها خواهند بود که تحمل این سختی هارا

خواهند کرد. با توجه به آنچه گفته شد روشن می گردد که نمره این جنگ برای کارگران و زحمتکشان جز بیکاری، گرانی، کمیابی، ویرانی و آوارگی چیز دیگری نخواهد بود این جنگ که خود ریشه در عمق بحران اقتصادی و سیاسی حاکمیت سیاسی ایران داشت، هر چه بیشتر بحران اقتصادی را دامن خواهد زد و طبقه کارگر و سایر زحمتکشان را هر چه بیشتر با مشکلات و مصائب جدیدی دست بگریبان خواهد کرد.

جای هیچگونه شکی نیست که دولت خواهد کوشید: اولاً با تبلیغات وسیع و مسمومش میهن پرستی و وطن پرستی افراطی را در توده ها برانگیزد و چند صبا حی دیگر با تکی بر این توهم، تحمل این همه مشکلات و مصائب را بر توده ها آسان سازد و با صدور اطلاعاتی مبنی بر نظیر "اطلاعیه وزارت صنایع" (انقلاب اسلامی سه شنبه اول مهر ماه) استعمار آن ها را شدت بخشد و از آنها بخواهد که برای جبران خسارات ناشی از جنگ تحمیلی سرمایه داران بر آنها، هر چه بیشتر از جان مایه بگذارند و با فعالیت مداوم خود بتولید هر چه بیشتر همت بکارند و "از درگیری با همکاران" (بخوان مبارزه با استعمارگران و عوامل آنان) بپرهیزند و با هم و با مدیريت با صمیمیت همکاری کنند.

ثانیا: خواهد کوشید بخاطر احساس خطر و وحشت از واچگیری مجدد جنبش کارگران و زحمتکشان از هم اکنون تدارک سرکوب آنها را بچینند و با صدور فرامین، بخشنامه ها و تصویب قوانین آن

ها را محدود و محدودتر کند و رویای خوشاپور تو نیستیها ی "کمیته مرکزی" را که خود خون فدا ثبات صادق (!) و نا آگاه را با خون پاسداران سرکوبگر آنان درهم آمیخته اند تا "استقلال" و "آزادی" را در جمهوری اسلامی پاسداری کنند (!) به واقعیتی تلخ و زهر آگین تبدیل کند.

چنین بنظر میرسد که در صورت پایان یافتن سریع جنگ دولت در تحمیل توده ها موفقیت های قابل توجهی بدست آورد و با توسل به توهمات آنها و قدرت گیری ارگان های سرکوب از جمله ارتش، تشکل های دموکراتیک آنها را (از جمله شوراهای) درهم کوبد و تادمتی واکنش ها و حرکات اعتراضی طبقه کارگر و سایر زحمتکشان را با عنوان خد متگزار دولت عراق و مخالفین "احیای تولید ملی" سرکوب کند و افسول واقعی مملو سر را به جنبش طبقه کارگر تحمیل کند.

اما در صورت طولانی شدن جنگ و عمق یافتن رکود و بیکاری، کارگران و بخصوص کارگران واحدهای بزرگ دست بتهاجم متقابل خواهند زد و برای رفع وحل مشکلات و مصائب حاصل از جنگ خود به اقدام مستقیم دست خواهند زد و در دست گرفتن کنترل امور واحدهای تولیدی هم امر بر اهانداری مجدد واحدها و تولید مواد را بنجام خواهد رسانید و هم توزیع مواد غذایی و ما محتاج خلق را بشکل انقلابی خود بعهده خواهند گرفت.

### با کمکهای مالی خود سازمان رایاری رسانید!

رفقا، دوستان، هواداران

همانطور که اطلاع دارید، پس از انشعاب، "کمیته مرکزی" از تحویل هرگونه امکانات به سازمان خودداری کرد. با توجه باینکه گسترش فعالیت های هر سازمان انقلابی به کمک های هواداران و طرفداران آن سازمان بستگی دارد از کلیه رفقا، دوستان و هواداران میخواهیم که ما را از امکانات خود با خبر کنند و بالاخص کمک های مالی خود را از راه های مطمئنی که میسازند برای ما بفرستند.

|  |   |   |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
|--|---|---|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|
| هـ ۱۴۰۵                                      | ث ۱۳۵۳                                    | ج ۱۱۹۸                                      | د ۲۷۹۰   | هـ ۵۶۶۰  | و ۷۸۸۰   | ز ۲۲۲۷   | ح ۲۰۵۳۵  | ط ۲۲۰۰   | ی ۱۲۲۲   | ک ۵۵۱۵   | ل ۵۱۲۱   | م ۲۲۲۲   | ن ۲۷۰۱   | س ۵۱۰۰   | ت ۴۴۰۰۰  | ث ۷۰۲۶   | ج ۱۱۲۰   | د ۵۰۰۰   | هـ ۲۲۱۵  | و ۱۱۱۱   | ز ۲۲۲۲   | ح ۲۵۵۵   | ط ۲۳۰۰   | ی ۲۰۳۳   | ک ۲۰۳۳   | ل ۱۰۱۰۰  |  |
| ب ۱۳۵۹                                       | ج ۱۰۲۵                                    | د ۲۷۹۰                                      | هـ ۵۶۶۰  | و ۷۸۸۰   | ز ۲۲۲۷   | ح ۲۰۵۳۵  | ط ۲۲۰۰   | ی ۱۲۲۲   | ک ۵۵۱۵   | ل ۵۱۲۱   | م ۲۲۲۲   | ن ۲۷۰۱   | س ۵۱۰۰   | ت ۴۴۰۰۰  | ث ۷۰۲۶   | ج ۱۱۲۰   | د ۵۰۰۰   | هـ ۲۲۱۵  | و ۱۱۱۱   | ز ۲۲۲۲   | ح ۲۵۵۵   | ط ۲۳۰۰   | ی ۲۰۳۳   | ک ۲۰۳۳   | ل ۱۰۱۰۰  |  |  |
| دانشموران مدرسه راهنمایی کعبه آمال نازی آباد | دانشموران دبستان دکتر حسی فاطمی نازی آباد | دانشموران دبستان راهنمایی اس سنیا خیابان ری | دانشموران مدرسه راهنمایی دکتر شریعی خیابان نازی آباد | دانشموران دبستان راهنمایی اس سنیا خیابان نازی آباد | دانشموران دبستان راهنمایی اس سنیا خیابان نازی آباد | دانشموران دبستان راهنمایی اس سنیا خیابان نازی آباد | دانشموران دبستان راهنمایی اس سنیا خیابان نازی آباد | دانشموران دبستان راهنمایی اس سنیا خیابان نازی آباد | دانشموران دبستان راهنمایی اس سنیا خیابان نازی آباد | دانشموران دبستان راهنمایی اس سنیا خیابان نازی آباد | دانشموران دبستان راهنمایی اس سنیا خیابان نازی آباد | دانشموران دبستان راهنمایی اس سنیا خیابان نازی آباد | دانشموران دبستان راهنمایی اس سنیا خیابان نازی آباد | دانشموران دبستان راهنمایی اس سنیا خیابان نازی آباد | دانشموران دبستان راهنمایی اس سنیا خیابان نازی آباد | دانشموران دبستان راهنمایی اس سنیا خیابان نازی آباد | دانشموران دبستان راهنمایی اس سنیا خیابان نازی آباد | دانشموران دبستان راهنمایی اس سنیا خیابان نازی آباد | دانشموران دبستان راهنمایی اس سنیا خیابان نازی آباد | دانشموران دبستان راهنمایی اس سنیا خیابان نازی آباد | دانشموران دبستان راهنمایی اس سنیا خیابان نازی آباد | دانشموران دبستان راهنمایی اس سنیا خیابان نازی آباد | دانشموران دبستان راهنمایی اس سنیا خیابان نازی آباد | دانشموران دبستان راهنمایی اس سنیا خیابان نازی آباد | دانشموران دبستان راهنمایی اس سنیا خیابان نازی آباد | دانشموران دبستان راهنمایی اس سنیا خیابان نازی آباد | دانشموران دبستان راهنمایی اس سنیا خیابان نازی آباد |
| ۲۶۰۰   | ۹۰۸۰                                      | ۴۱۲۰  | ۴۰۰۴   | ۴۲۲۶   | ۹۹۹۹   | ۸۵۸۵   | ۲۷۴۹   | ۱۴۰۵   | ۵۰۰۰   | ۱۳۰۳۶۹   | ۷۱۳۱   | ۱۰۰۰۵  | ۱۲۲۰   | ۵۶۱۱   | ۸۸۲۸   | ۵۱۵۱   | ۶۲۲  | ۱۲۱۱   | ۹۰۹۰   | ۲۳۰۰   | ۱۰۹۹۹  | ۷۰۱۱   | ۱۰۹۶   | ۱۰۱۰۰  | ۱۰۱۰۰  | ۱۰۱۰۰  | ۱۰۱۰۰  |

## ۴ ساعت کار در هفته خواست همه کارگران است



# اشغال خوابگاههای دانشجویی حتی در شرایط جنگی!

در شرایطی که موده‌های مردم بی‌پن مازیرفسار بار جنگ و تجاوزات رژیم بعثی عراق تزار دارند، رژیم جمهوری اسلامی با هم دست از تجاوز به حقوق مردم و سرکوب آنها بر نمی‌دارد. خوابگاههای دانشجویی که در ماههای اخیر بطور مرتب در معرض حمله عناصر واباش و وابسته به حاکمیت قرار گرفته‌اند، در روزهای اخیر نیز زحمات مصون نبوده‌اند.

روز شنبه پنجم مهر، در اوج جنگ ایران و عراق، خوابگاه پسران دانشگاه صنعتی سرف سغال شد و گروهی از دانشجویان مورد ضرب و ستم قرار گرفتند. روز یکشنبه و در دهم مهر نیز خوابگاه‌های دانشجویی در میان بیست خوابگاه دانشجویی دانشگاه صنعتی مورد اشغال قرار گرفت. باین ترتیب که ساعت ده صبح یا نود یا سدار وارد خوابگاه می‌شوند و یک ربع برای تخلیه ساختمان بیهوش می‌شوند و در وقت می‌دهند آنها هم با اندکی آنا تیه خود را با ساختمان بیرون می‌آیند و

در بیاد هرومی سبید. ایس دختران دانشجویی که در ماه مه ار سهرستان آمده‌ایم - جانی هم نداریم، مجبوریم همینجا بنسیم. رنی میکفت پنج نفران میتوانید بیا تید خانه ما، دانشجویان کفیند مساله پنج نفر بیست، فرض ما آمدیم خانه شما بیهکار کیند اصلا چرا باند این وضع پیش بیا بید در همین موقع با سداری آمد و جمعیت کف مفرق شوید خطر حمله هوانی وجود دارد. دانشجویی کف کجا برویم - سما کسه ساختمان ما را اشغال کرده‌اید؟ نارصابی در همه جمعیت دیده میشد مردی کف در ایس شرایط جنگی درست نیست این هارا خوابگاه بیرون کرده‌اند، بیخودی اختلافات را دامن می‌سند. مرد دیگری کفست اینها یا دید یک بجره را سکنید، بروند نوی ساختمان هیچکس هم هیچکاری نمیتواند بکند الا شب است و هیچکس نوی خیابان نمی‌ماند، اینهمه دختر نوی خیابان چکار کنند؟

# عملکردهای شورای روستائی (گاورمک) رامسر

شورای روستائی (گاورمک) رامسر از بدو تشکیل تاکنون موفق شده است، یک جاده بکشد و طرح لوله کشی و آب رسانی را نیز در سر لوجه بر نامه‌های خود قرار بدهد. اهالی روستای (گاورمک) که در گذشته با مشکل‌هایی از قبیل انجم ده آشنایی داشتند و همه کارهای خود را از این مجرا انجام می‌دادند، پس از قیام به ضرورت تشکیل شورای دهی برده و با یاری عناصر آگاه ده، در خرداد ۱۳۵۸ موفق شدند شورای خود را تشکیل دهند. اولین قدمی که شورا در جهت خواسته‌های دهقانان برداشت، کشیدن جاده بود. در جریان کشیدن جاده بنا بر دسیسه جینی‌های بعضی اربالکان ده، اعضای شورا توسط زاندار مری بیهوش دادستانی انقلاب رامسر برده شدند. رئیس دادگاه در اولی بر خورد و بدون مقدمه اعضای شورا را ضدا انقلابی خواند و بیهوش دادستانی شهسوار فرستاد اهالی روستای گاورمک که اعضای شورای خود را گرفتار دیدند دست به اعتراض زدند و در برابر دادستانی رامسر تجمع کردند.

بر اثر فشار روستائیان اعضای شورا آزاد شدند. بدنبال آن روستائیان با پول خود موفق شدند جاده را تا نیمه درست کنند. جبهه سازندگی که به روستا آمد به روستائیان قول داد که اگر خود اهالی جاده را تا به آخر برسانند، شریزی اشرافیه عهده بگیرد. اعضای شورا با مراجعه به داره راه شهسوار تقاضای بولدوزر کردند و پس از رفتن و آمدن مکرر به این اداره بولدوزری به آنها داده شد و روستائیان توانستند راه را به اتمام برسانند.

از اقدام‌های دیگر روستائیان گاورمک در برپوشن و شکل واحد، مصا دره جمعی باغ‌های ۵۰ هکتاری فایزیدی است. همچنین روستائیان گاورمک که تاکنون تجربه‌های گرانبهایی از شورا کسب کرده بودند، برای همبستگی و یاری به دیگر روستائیان، تجربه‌های خود را به دهات اطراف گسترش دادند و توانستند با مساعدت عناصر آگاه و انقلابی شورا‌های روستای "بامسی" و شورای روستای

"میانلالت" را نیز تشکیل دهند... ایادی زمینداران و دولت که تاب تحمل این تشکل‌ها و حرکات انقلابی روستائیان را نداشتند از راه‌های گوناگون کوشیدند تا بلکه بتوانند این شورا را از هم بپاشند و باغ مصا دره را باز پس گیرند. به همین سبب مصا جران باغ‌های مصا دره شده به زاندار مری شکایت کردند، زاندار مری هم به آنها قول می‌دهد که باغ را از روستائیان پس بگیرد. اما روستائیان به رغم هشدارهای زاندار مری همچنان به چیدن باغ ادامه دادند تا اینکه دوتن از هیئت هفت نفری تقسیم زمین به روستا آمدند و بانسان دادن سند تقسیم زمین اعضای شورا را به دادسرا فرستادند. اهالی ده گاورمک می‌گویند که هیئت هفت نفره قصد دارند اعضای شورا را به زندان فرستاد و به دلخواه خود زمین‌ها را تقسیم کنند و به این ترتیب می‌خواهند هم شورا را متلاشی سازند و هم حرکت انقلابی دهقانان را مهار کنند.

# نمونه اتحاد انقلابی دانش آموزان در آغاز سال تحصیلی

اما دانش آموزان با اراده و مصمم ورزش می‌کردند و سرور می‌خواندند دانش آموزان حزب الهی هم، مرتب شعار حزب فقط حزب الله و مرگ بر منافق می‌دادند. با خانه گرفتن ورزش صبحگاهی بین هواداران نیروهای انقلابی توافقی مبنی بر تحصن حاصل شد.

در ساعت ۱۱/۵، دانش آموزان به سالن مدرسه رفتند و از مدیر خواستند در جمع آنها حاضر شود و در باره اخراج دانش آموزان توضیح بدهد. اما مدیر از این درخواست سرباز زد و نیامد. از سوی دیگر دانش آموزان تهدید شدند که اگر از سالن بیرون نیایند، در سالن به روی آنها قفل می‌شود. این تهدید عملی شد و در سالن به روی دانش آموزان بسته شد، اما دانش آموزان با سرو صدا و فریاد مسئولان را وادار کردند که در راباز کنند. تمامی مدرسه درگیر بحث و گفتگوهای آگاهانه شد.

در ساعت ۱/۵ بعد از ظهر، دانش آموزان به مدیر اطلاع

دادند که اگر فردا صبح جریان اخراج دو دانش آموز را برای بچه‌ها توضیح ندهد، تحصن همراه با افشاکری ادامه می‌یابد. مدیر مدرسه که قاطعیت و ایستادگی متحدانه دانش آموزان را دید از اداره به دبیرستان بفرستند، بلافاصله نماینده‌ای از بخش آمد. دو دانش آموز اخراجی را مجدداً ثبت نام کرد و به این ترتیب دانش آموزان با سلاح اتحاد و مقاومت و برخورد‌های درست و اصولی موفق شدند دوستان دانش آموز اخراجی خود را به کلاس برگردانند و سوسی در مقابل اقدامات ضد مکر اتیک مدیر مدرسه ایجاد کنند. حرکت موفقیت آمیز دانش آموزان انقلابی دبیرستان محمودزاده تجربه‌ی گرانبها و برنده‌ی ضرورت همبستگی و اتحاد همه نیروهای انقلابی را در مدارس بر علیه سیاستهای ضد دمکراتیک و ارتجاعی، به ثبات رسانید.

دانش آموزان انقلابی دبیرستان دخترانه "محمودزاده" موفق شدند با همبستگی و مقاومت دانش آموزان اخراجی را به کلاس برگردانند.

روز شنبه ۵ مهر ماه ۵۹، مدیر مدرسه محمودزاده، دوتن از دانش آموزان هوادار مجاهدین خلق را بجزم شرکت در ورزش میلیشیا و "شعار مرگ بر آمریکا" هدفترا حاضر کرد و پس از سیدگی به پیرونده‌های شان پدروادرا نهاران نیز فراخواند و در عرض چند ساعت هر دو دانش آموزان انقلابی را اخراج کرد. دانش آموزان آگاه و انقلابی دبیرستان با دیدن این حرکت ضد دمکراتیک مدیر، به تکاپو تلاش یافتند تا دانش آموزان اخراجی را به مدرسه بازگردانند. ردای آنروز دانش آموزان انقلابی در صفوف منظم، ورزش صبحگاهی را با "سرود (ای ایران) و شعارهایی مانند، مرگ بر آمریکا، نه سازش نه تسلیم بر دبا آمریکا، انجام دادند. مدیر دبیرستان دانش آموزان را تهدید به اخراج می‌کرد

# باز هم حمله مسلحانه پاسداران سرمایه به گارگران

کارگران کارخانه دامس خروس نشان روز هیجدهم شهریور جلوی کارخانه در حیا بان آزادی تجمع کرده بودند. آنها که در مخالفت و برای کشف دلایل اخراج ۱۶۰ نفر از همکاران خود جمع شده بودند ساعت ۲ بعد از ظهر با حمله پاسداران مواجه شدند. حمله وحشیانه با قنداق تفنگ، تیراندازی هوایی، دستگیری کارگران و تعقیب افراد مبارز و هجوم به خانه‌های اطراف کارخانه در پی آنها...

واقعاً این قرار بود که روز ۸ شهریور ماه مرخصی سالانه کارگران آغاز شد. این مرخصی تا ۱۸ شهریور ادامه داشت. در این مدت بنیاد مستضعفین کارخانه را در اختیار گرفت و مدیر جدیدی به کارخانه فرستاد. مدیر جدید بر اساس دستوراتی که از طرف بنیاد داشت، شروع به پیاده کردن برنامه‌های خود کرد و اولین اقدام اخراج ۱۶۰ نفر از کارگران بود. روز ۱۸ شهریور پس از اتمام ده روز مرخصی - که خود نموداری از بی‌بالی کردن حقوق کارگران در رابطه با مرخصی سالانه است -

کارگران به سرکار برگشتند. اما ماورین مسلح کمیته مانع ورود ۱۶۰ نفر از کارگران بداخل کارخانه شدند. کارگران در اعتراض با این مسئله جلوی کارخانه جمع شده و خواهان توضیح در این مورد شدند. این جریان تا ساعت ۲ بعد از ظهر ادامه داشت. در این ساعت پاسداران "کمیته صاحب الزمان" که دیدند کارگران قصد متفرق شدن ندارند و برای مردم کنجکاو آن منطقه این مسئله را بطور مداوم افشا می‌کنند، یورش وحشیانه خود را به آنها آغاز کردند. در این جریان علیرغم حمایت بی‌دریغ مردم محله از کارگران، پاسداران توانستند چند نفر از آنها را دستگیر نمایند.

کارگران کارخانه دامس خروس نشان می‌گویند حالا ما باید برای هر دو مسئله مبارزه کنیم، یکی برای برگشتن به کارخانه و دیگری آزادی کارگران زندانی.

کارگران مبارز و آگاه تجربیات روزمره خود در می‌یابند که تنها با اتحاد و تشکل می‌توانند در مقابل زورگویی سرمایه‌داران و حامیان آنها مقاومت کنند.

# ● لغو سود ویژه و مواضع "کمیته مرکزی"

کمیته مرکزی که سیاست جاگری در آستان بورژوازی و کورنش و تعظیم در برابر سران سازشکار خرده بورژوازی را پذیرفته و به عنینش طبقه کارگر و مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلشهای ایران پشت نموده است در عرصه مبارزات طبقه کارگر نیز با بهر کود و انحسراف کشاندن مبارزات جاگری به سیاست های آشتی طلبانه خود مادیت میبخشد.

"کمیته مرکزی" در برخورد به مسئله لغو سود ویژه، یکبار دیگر کوشید که رگران را دچار توهم نموده و تمام تقصیرها را نکردن وزارت کار و شورای انقلاب و یا حتی بعضی از کارشناسان وزارت کار بیاندازد تا بتواند حاکمیت خلیسی هم ضد امپریالیستی را تظہیر نموده از زیر ضرب مبارزات کارگری نجات دهد! و مجبور شد برای بار دیگر تئوری مبارزه با سرمایه ها را، تئوریش را که به گونه ای دون کیشوت وار "آسیای بادی" را تجسم مادی امپریالیسم می بیند، در زمینه مسائل جاگری برای موعظه آشتی طلبانه بش به کار گیرد و بوسط دهنده "کمیته مرکزی" برای آنکه اوضاع را بهتر گردانده و حاکمیت انقلابی و ضد امپریالیستی (از جمله آقای بهشتی) را راضی گرداند خود را فقط درگیر مبارزه با سرمایه ها می نماید و محبور می شود در تحلیل! (داستان) پلیسی اش، مهره ها را جایگزین طبقات نموده و طبقات را محو نماید. در این به اصطلاح تحلیل آنچه که فرعی است اصلی می شود و آن ارگانی که کمترین نقش را ایفا می کند زیر ضرب قرار می گیرد و به آنچه که دیگر نیست (مردگان) حمله می شود و نیز تمام ارواح خبیثه (از جمله عنا صر ضد انقلابی که در اینجا و آنجا کویا در حاکمیت انقلابی نفوذ کرده!) به کمک طبعیده می شود تا شاید برده ساتری افکننده شود و چهره زشت متصراصلی (حاکمیت اساسا بورژوازی) پنهان گردیده و میتوانند تظہیر گشته و ضد امپریالیست و انقلابی گردد. "کمیته مرکزی" و قوتی - مطرچی می کند "که وزارت کار و شورای انقلاب مسئول لغو سود ویژه هستند" (نقل به معنی از مقالات درباره لغو سود ویژه مندرج در شماره های ۷۰ و ۷۱ - ارگان سراسری) به روی خودش هم نمی آورد که همان جریانها می دادند شورای انقلاب! را تشکیل می دادند امروز نیز قدرت واقعی را در حاکمیت در دست دارند. او مطرح نمی کند که سران حزب جمهوری اسلامی اکثریت شورای انقلاب (۷ نفر از ۱۳ نفر) را تشکیل می دادند و هم اکنون نیز بر سر کسب قدرت بیشتر در حاکمیت بنا "لیبرالها" در جنگند، بنا بدهم چنین کند چرا که حزب جمهوری اسلامی از

بیرون خط امام است و خرده بورژوازی! باید غسل تعمید شود و علاوه بر آن ممکن است سران حزب ناراحت شوند (اوضاع دوباره خراب شود) و جایی در مبارزه ضد امپریالیستی! با کمیته مرکزی ندهند.

بیشتر که می رویم (در شماره ۷۱) حتی سا به "شورای انقلاب" نیز کم کم زایل می شود و کمیته مرکزی می کوشد با زیرکی خاصی! (البته با زیرکی خاص کمکی که سرش را زیر برف می نماید) فقط به وزارت کار رجوع ازد! و به کارگران توعیه می نماید که "موضع گیری های انقلابی مبتنی بر آن بوده که ... به مسئله شرکت فعالانه توده کارگران (از طریق تشکیلات و نمایندگان واقعی شان) در تدوین قانون کار جدید به عنوان کامی عملی و موثر در جلوگیری از تصویب قوانین خودسرانه و یکجانبه وزارت کار و ... (ارگان سراسری شماره ۷۱ - نقطه های دوم از خود مقاله است و نقطه اول و تاکید از ماست) آری به زعم اپورتونیست ها قوانین کار را طبقه وزارت کار! خودسرانه تصویب می کند نه کل دولت به عنوان دیکتاتوری طبقه حاکمه. کمی هم جلوتر برویم می بینیم کارآگاهان منا بالآخره مجرم اصلی را پیدا می کنند "تصویب نامه های خودسرانه و ضد کارگری" مسئولین و کارشناسان وزارت کار به انبوه وسیع تئوری از کارگران لزوم شرکت و دخالت فعالانه شان را در تدوین قوانین و ضوابط ضد کارگری نشان داد" (همانجا تاکید از ماست) دیالکتیک در شیوه تحلیل یعنی همین! پایبندی به "دیالکتیک سخت زمینی" یعنی همین! جلوی حرکت بسوی "ارض موعود" را فقط "مسئولین و کارشناسان" می گیرند! تصویب نامه ها خودسرانه است آنهم خودسری "مسئولین و کارشناسان" وزارت کار، ربطی به رژیم جمهوری اسلامی ندارد! (مقایسه کنید با شیوه استادشان (حزب توده) در هفته نامه اتحاد. بلکه اختلاف در یختگی است.)

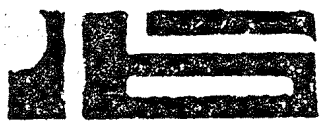
سیاستی که کمیته مرکزی بر آن تاکید و با فشاری می کند سیاستی است که هدفش نه پیشبرد مبارزه طبقاتی و ارتقاء سطح مبارزات طبقه کارگر، بلکه مسکوت گذاردن تضاد طبقاتی با به عبارت دیگر موعظه آشتی طلبانه و امکان تحقق منافع کارگران در چهارچوب رژیم اساسا بورژوازی جمهوری اسلامی و به بیانی رساتر "روپاندن سوسیالیسم" از داخل حاکمیت بورژوازی است. این سیاست آشتی جویانه که منافع تاریخی طبقاتی پرولتاریا را تابع اهداف رفرمیستی

خود می نماید در مقطع کنونی مفر خود را در طفره رفتن از پاسخ روشن و صریح به مسئله ما هیت حاکمیت کنونی می جوید اپورتونیسم راست با توسل به تئوری دوگانگی خرده بورژوازی توحیه تئوریک رفرمیسم خود را می یابد. او نمی خواهد دریا بد (اگر هم دریا بد به روی مبارکش نمی آورد) در مبارزه و با مبارزه است که طبقه کارگر بورژوازی را وادار به تصویب قوانینی به نفع خود می سازد که هر چند نا چیز، در به به بود وضعیت و شرایط دشوار زندگی و امر پیشبرد مبارزه طبقاتی شان مفید می افتد. از این روست که انتظار دارد با لغو قانون سهام کردن کارگران در سود! کارخانه تانوم عدید و بهتری جایگزین شود. (البته بوسیله خود حاکمیت و کله مندا از حاکمیت می پرسد "وقتی قانون طاغوتی لغو می شود آیا نباید قانون مترقی جایگزین آن شود" (ارگان سراسری شماره ۷۰). "کمیته مرکزی" کاری ندارد که آیا ما هیت حاکمیت، این اجازه را می دهد که بدون مبارزه بیایمان کارگران و زحمتکشان و با بدون ترس از او گیری مبارزات کارگران، بسود آنان قانونی تصویب کند؟ رفرمیسم مجبور است چنین توضیحی را ندهد چرا که رسالتش دامن زدن به توهم کارگران نسبت به حاکمیت است نه امر پیشبرد مبارزه طبقاتی. (کمیته مرکزی تراهای جدیدی (البته چندان جدید هم نیستند به "مردم" ارگان رویزیونیست های حزب توده مراجعه کنید) برای ارائه نقطه نظرات خود برای تیرته "خط امام" و تظہیرش یافته است! و خود را پشت نقل قولهای دیگران پنهان می کند برای مثال از کارگران کیهان نقل می کند "آیا حذف سود ویژه و فرصت دادن به ضد انقلاب گامی است در خط امام؟" (تاکید از ماست) کمیته مرکزی با زبان غیر از کارگران دعوت می کند که از صف مستقل خویش منصرف شده و بدنبال چه حاکمیت (خط امام) تبدیل شوند.)

کمیته مرکزی وقتی مطرح می کند "لغو قانون فوق (سود ویژه) بدون جایگزینی قانون بهتری صورت پذیرفت" (همانجا) در واقع امکان تصویب قانونی به نفع طبقه کارگر بدون فشار و مبارزه آنان از جانب حاکمیت ظاهرا خرده بورژوازی! را تبلیغ می کند. البته اگر حاکمیت به اصطلاح ضد امپریالیست! و انقلابی! یارد بگرومعی به توصیه حزب توده و "کمیته مرکزی" نگذاشت چه باک این بار نیز مانند کشتار خلیس های ترکمن و کرد و عرب و با سرکوب کارگران بیکار

## سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید گردد





درود و... می بود گفت که باز "گانه"  
بدخرده سورژوازی عود کرده است. کمیته  
مرکزی به نقل از کارگران بشروا  
می نویسد "تصمیمی که در آن شکل های  
کارگری همچون شوراهای سندیکاها  
کارگری و کانون های کارگری نقش  
نداشته باشند از نظر کارگران هیچ  
اعتنایی نداشته و مورد بدبینی  
کارگران نیست" (ارکان سراسری  
شماره ۷۰) آری صورتش داشتنی شکل  
های کارگری در تصویب قوانین  
کارگری بخوان (عدکا رگری!)، اعتبار  
به قوانین می بخشد. به زعم فرمیست ها  
در چهار حیطه سرمایه داری و استبداد،  
دولت سورژوازی البته می تواند  
موانع معتبر و مورد بدبینی کارگران  
تصویب نماید (دیگر لرومی به سرنگونی  
دولت شوروازی نیست) برای اینکار  
کافی است که فقط "کمیته مرکزی" یا  
حزب توده فریبی نمی کند) در تصویب  
قوانین کارگری نقش داشته باشند.  
آنها آرزوی آن را دارند که مورد  
مشورت هیئت حاکمه شوروازی قرار  
گیرند مسئله آنان لغو سود و ویژه نیست.  
تا آراحتی شان از "تصویب یکجانبه و  
خودسرانه (و بی موقع) وزارت کار و  
شورای انقلاب در مورد سود و ویژه و تفلیز  
آن به دو ماه پاداش سالانه است" یا  
فشاری بر آن می کنند تا در کنار وزارت  
های مالیه - تجارت و خدمات  
عمومی، در کنار بورس و بانک یک  
کمیته سوسیالیستی بنا (تدوین) گسه  
خاخام اعظمی... عصر جدید را بشمارت  
دهد (مبارزه طبقاتی در فرانسه -  
مارکس - تاکید از ماست) یا گسه  
عبارت دیگر ناراحتی شان این است که  
رژیم اساسا شوروازی جمهوری اسلامی  
فرقه های خاخام های اعظم را به نشان  
برازنده نمی بیند اینان غافل انداز  
اینکه حتی کمیته سوسیالیستی ای که  
آرزویش را دارند هم بدون مبارزه بدون  
کسرتن مبارزه بدست نمی آید. آنان  
بیشترین سعی را می کنند که با این  
اندرز - نصحت پدران! ترحم ندرتشان  
جمهوری اسلامی را برانگیزانند:  
می نویسند (از قول کارگران بشرو)  
برای مقابله با کسری بودجه آیا تنها  
باید بر کارگران فشار آورد؟ (همانجا)  
به عبارت دیگر می گویند عالی جنابان!  
این حق را برای شما قائلیم که بعد  
کارگران فشار بیاورید ما کمی کمتر  
و هشدار می دهند "اینگونه طرحها بیش  
از پیش تولید را به اختلال می کشاند  
(ارکان سراسری - ۷۰) تولیدی که به  
زعم خاخام های فردا (البته اگر  
لباقت خود را به شوروازی نشان  
داده باشند) حفظ و ازدیادش ما را از  
محاصره اقتصادی نجات خواهد داد.  
بدین معنی مبارزه برای راه اندازی  
واحدهای تولیدی و ازدیاد تولید  
مبارزه ایست ضد میربالیستی در چهار  
جوب چنین تفکری سرمایه داران ضد  
میربالیستی ترین اندونما بنده شان  
جناب بنی صدر هم همینطور. چرا که  
بیشترین مبارزه را بنی صدر و نوبری و...

با رکود و بحران اقتصادی می کنند. به  
همین دلیل است که "ارکان سراسری"  
شورای انقلاب و بنی صدر را که سود ویژه  
کارگران را لغو نمودند متحدان طبقه  
کارگری می خوانند. بوجه کنید "۱۸ گانه"  
تجارت سیاسی طبقه کارگر که تصویب  
لایحه جدید توسط شورای انقلاب و رئیس  
جمهور یکی از آنان است... به انگای  
تجارت مستقیم کارگران می توان  
وباید... نشان داد که متحدان طبقه  
کارگر، با کجا منافع او را در نظر  
می گیرند (ارکان سراسری شماره ۷۰).  
رفرمیست ها هیچگاه رابطه بین  
رفرم و انقلاب، رابطه بین رهنمود  
هایی برای مبارزه روزمره و اقتصادی  
طبقه کارگر، و هدف نهایی را توضیح  
نمی دهند. آنها هیچگاه رابطه تفکیک  
ناپذیر بین رفرم و انقلاب را توضیح  
نمی دهند. هیچگاه توضیح نمی دهند که  
رفرم محدود فرعی مبارزه انقلابی  
پرولتاریاست. کمیته مرکزی نیز از  
این قاعده مستثنی نیست. او واکنش  
انقلابی کارگران را چنین توصیف  
می کند "واکنش انقلابی... منطبق با  
تعمیق و تداوم این اعتراضات در توده  
های کارگران بود و کم و کیف و علل این  
تصمیم گیری ضد کارگری وزارت کار و  
شورای انقلاب و همچنین نتایج زیانبار  
آنرا توضیح می دهد! (ارکان سراسری -  
۷۱) واکنش انقلابی را می توان از زبان  
کمیته مرکزی چنین بیان کرد:  
۱- توضیح کم و کیف علل این  
تصمیم گیری یعنی توضیح دوگانگی  
خرده بورژوازی حاکمیت، توضیح  
"گانه" بدان که در شرایط بحران و  
کسری بودجه و محاصره اقتصادی، به دفع  
سرمایه داران عمل می کنند.  
۲- توضیح نتایج زیانبار آن یعنی  
این مسئله که لغو سود و ویژه به اتحاد (۱)  
سرمایه داران و کارگران (که برای  
مبارزه ضد میربالیستی احتیاجی به  
تأمین شود) لطمه می زند و ممکن است  
باعث شود که کارگران برای بدست  
آوردن حقوق خود دست به اعتصابات  
بزند و در تولید اختلال شود و مبارزه  
ضد میربالیستی - مبارزه با محاصره  
اقتصادی - کاهش یابد!  
۳- تعمیق و تداوم این اعتراضات  
در توده ها یعنی تا کیدر "شرکت  
فعالانه توده کارگران (از طریق  
تشکیلات و نمایندگان واقعی شان) در  
تدوین قانون کار جدید" (ارکان  
سراسری - ۷۱). اینجاست سیاستی را که  
حزب جمهوری اسلامی در زمینه اعتراضات  
کارگری ترویج می کند در تفکر کمیته  
مرکزی "باز می یابیم. سیاست "تعلیق  
به محال" سیاستی که اعتراضات  
کارگری را که در حال شکل گیری اند  
سازمان نمیدهد بلکه جلوی آنها را میگیرد  
آوبه آئینده خوش نشان می سازد، مسئله  
قانون کار را پیش می کشد. البته  
چگونگی تدوین قانون کار جدید از  
اهمیت ویژه ای برای کارگران سر  
خوردار است باید که کارگران مسئله  
شرکتشان در تدوین آن را توضیح داد.

تا بدیده آنها توضیح داد که برای  
بدست آوردن امتیازات جدیدی  
حاکمیت شوروازی و او را در نظر آن  
به عقب نشینی حاکمی کد برای  
مبارزه طبقاتی طبقه کارگر است  
و پاره ای دارد مبارزه شما ابتدا  
مسئله قانون کار جدید، عدم مبارزه  
اعتراضات کارگران را سر غلط لغو  
سود ویژه و جلوگیری از شکل گیری آن  
ها (به بهانه اختلال در تولید) به حوجه  
بوجه نمی کند. هم بدلیل لغو سود ویژه  
بی نهایت اعتراضات کارگران را  
سازمان داد و حقوق لغو شده آنان را  
باز پس گرفت و هم بی نهایت در امر  
تدوین قانون کار، برای شرکت  
واقعی کارگران مبارزه سودا بیند و  
تأیی یکدیگر نیستند رنگی نمایند.  
سوان گفت مستقیم یکدیگر بدین  
معنی که اگر کارگران پیشرو نباشند  
از طریق سازماندهی اعتراضات،  
مبارزه کارگران را بصورت یکجانبه  
بر علیه لغو سود ویژه پیش برند  
توان آن را می یافتند که بصورت  
موسری برای شرکت در تدوین قانون  
کار مبارزه نمایند.  
انور تونسم راست ارکان سراسری  
بسرومی خواهد تا شان دادن موارد  
سخن و عینی از تاثیرات خوب و زیانبار  
قوانین و آئین نامه های کد تاکنون  
(چهار گدسته و جدید در حال) بدون شرکت  
کارگران تدوین شده اند در صورت  
شرکت فعالان نمایندگان و اجتماعی  
و آگاه کارگران در این تدوین قانون  
کار بین از بین می آید و رزید (ارکان  
سراسری - ۷۱) چرا که "یک قانون کار  
موسری می تواند به مشکلاتی چون سود  
ویژه و سوا بر آن باجی جدی دهد"  
(مباحث).  
نه، ما به کارگران می گوئیم  
با ج جدی به مشکلات جدی خود را در  
نظام سرمایه داری در قانون جدید  
کار نمی توانیم ببیند با سود و ماده  
می کنیم تا شان دادن موارد مشخص  
و عینی از تاثیرات زیانبار جیبی  
قوانینی ما هیت رژیم اساسا  
شوروازی جمهوری اسلامی و عملکرد  
های آن را در جهت بازسازی سرمایه  
داری وابسته به کارگران دیگر  
توضیح دهید. لزوم شرکت کارگران  
در تدوین قانون کار جدید را توضیح  
دهد اما رابطه رفرم و انقلاب را نیز  
فرا موش نکنید که "از نظر سوسیال  
دموکراسی میان رفرم و انقلاب اجتماعی  
رابطه تفکیک ناپذیری وجود دارد  
این معنی که برای او رفرم اجتماعی  
وسيله است و دیگر کوی اجتماعی هدف  
(روزالوکرا مورک، رفرم با انقلاب).  
توضیح دهید که سوسیالیسم از سرمایه  
داری نمی رود آنطور که مروحی "راه  
رشد غیر سرمایه داری" ادعا می کند  
توضیح دهید که "کوشش جدی و آگاهانه  
برای تمسک کردن قدرت سیاسی شرط  
اولیه مبارزه برای رفرمهای اجتماعی  
و... است" (روزالوکرا مورک، رفرم  
با انقلاب).

# تعطیل دور روز در هفته گامی در جهت تأمین رفاه کارگران و لازمه ارتقاء آگاهی آنان است

# هزینه جنگ بردوش زحمتکشان

## در حاشیه مصاحبه بهشتی:

روز چهارشنبه ۹ مهر ماه بهشتی در یک مصاحبه با خبرنگاران داخلی و خارجی شرکت کرد، در این مصاحبه نکاتی چند قابل توجه است زیرا که ما هیئت جمهوری اسلامی را برای مردم میهنمان بهتر روشن خواهد ساخت. در قسمت اول مصاحبه خبرنگار می پرسد "با توجه به ماهیت ضیاء الحق و چگونگی رژیمش در پاکستان، آیا پذیرش ضیاء الحق آنهم بطور رسمی قابل قبول بود" دکتر بهشتی با زیرکی خاصی سؤال را بر میگردد اندومی گوید "مسئله پیوند برادرانه میان ما و ملت برادر پاکستان مسئله بسیار جدی است" از این جمله چنین بر میآید که ضیاء الحق این مزدور امریکا و همپالگی شاه خائن نماینده مردم پاکستان است او با وفا حتی تمام پذیرش او را بمانند پذیرش ملت پاکستان قلمداد می کند و دشمنی این خائن به ملتشرالایوسانی می نماید.

توصیه شود پرداخت حقوق ماها نه ما را دیر ۷۵۰ تومان لغو شود" می گوید: "در زمینه نزدیکتر کردن سطح درآمد ها برای رسیدن به نوعی نظام برادرانه اقتصادی اقدامات سودمندی باید انجام گیرد امروز ملت ما خود بپا خاسته است که تمام هزینه های ترمیم خسارات ناشی از جنگ را بپردازد. فکر می کنم برای این منظور چه بهتر که در این مرحله از همان آما دکی داوطلبانه ملت استفاده شود تا انسجام روحی و عاطفی روز بروز بیشتر شود. بر عزم آقای بهشتی ملت زحمتکش و کارگران و زحمتکشان کافی است مخارج جنگ را بپردازند و ثروتمندان و حقوق بگیران بالاتر از ۷۵۰- تومان که خود ایشان را نیز شامل می شود نباید تحت فشار قرار گیرند. بلکه مخارج جنگ را باید همان زحمتکشان بپردازند که حتی مخارج زندگی حداقل آنها نیز با کرانی موجود تا میسر نمی شود.

حامی منافع چه طبقاتی است. هیئت حاکمه باید به مردم توضیح دهد که چرا دولت جمهوری اسلامی که دعا می کند حامی "مستضعفان" است هزینه جنگ را از حقوقهای کلان تامین نمی کند. این مسئله صحت گفته های ما را که دولت جمهوری اسلامی و سرمداران آن هم چون بهشتی حامی منافع ثروتمندان است نشان میدهد. آنان نه تنها در این مدت هیچ گونه قدمی در جهت تعدیل ثروت برداشتنند بلکه حتی در شرایط کنونی که زحمتکشان میهنمان تحت شدیدترین فشار های اقتصادی، بیکاری، گرانی و نبود مسکن قرار دارند حاضر نیستند بخشی از این بار را از کیسه سرمایه داران بپردازند. طبیعی است که این خصلت جامعه طبقاتی است که بار تمام مصائب زحمتکشان باید بر دوش بکشند، در این میان ثروتمندان و محترکان بیش از پیش زحمتکشان را استثمار می کنند و بعلاوه بخشی از

دسترنج زحمتکشان برای تهیه لوازم یدکی و غیره بجهت امپریالیستها می رود. مسئله دیگر مذاکره با دولت یونان برای تعمیر فاننومهای ایران و یا سایر وسایل جنگی است دکتر بهشتی با صراحت (بخوان) وقاحت می گوید "ما می خواهیم روابط دوستانه با تمام کشورهای جهان داشته باشیم اگر آنها استقلال کامل ما را مورد احترام قرار دهند". دو نکته در این قسمت قابل بررسی است یکی اینکه دولت یونان که جزو پیمان نا توویک دولت سرسپرده امپریالیسم در منطقه است بنا بر این طبق معمول فاننومهای ما توسط سرسپردگان آمریکا تعمیر می شود، یعنی باز هم همچون گذشته حاصل دسترنج زحمتکشان ما بجهت امپریالیستها و بطور غیر مستقیم می رود چرا که متخصصین و مستشاران نظامی آمریکا در یونان به تعمیر آنان می پردازند در واقع تنها مکان آن تغییر یافته اما نکته جالب دیگر بیان این مسئله است که رابطه با هر کشوری

مجاز است بشرطی که استقلال ما را تأیید کند. باید از آقای بهشتی پرسید که آیا امپریالیسم چیزی جز منافعش را می خواهد از کشور ما تا مین نماید. قسمت دیگری از مصاحبه بهشتی - والای - ارتش پهنس از جنگ اشاره شد هو بهشتی می گوید "ارتش ایران نشان داد ما ست که ملت می تواند به او اعتماد کند و از طریق این اعتماد ارتش ارزش بیشتری پیدا کرده است. ما در تحلیل ما هیئت جنگ کنونی متذکر شدیم که ارتش از طریق این جنگ و نقش دفاع از میهن تلاش می کند هم سابقه کشتار قبل از قیام چون ۱۷ - شهریور ۱۳۰۲ بان و ۰۰۰ را از ذهن توده ها بزداید و هم کودکان را خیر در پس پرده دفاع از میهن منزه شوند، از زندانها بیرون کشیده شوند و دادگاههای کودکان گران متوقف شوند و بعبارت دیگر ارتش احیاء گردد و احیای ارتش و تقویت آن تنها برفع سرمایه داران و ایجاد امنیت و آرامش موعود برای سرمایه گذاران است.

## هم میهنان مبارز!

### بنابه گفته وزیر نفت:

دولت صادرات نفت را به کشورهای امپریالیستی ادامه میدهد، ولی برای تامین مصارف داخلی کاری نمیکند. "زیرا مردم تحمل دارند."

## ما میگوئیم:

این سیاست نشان دهنده علاقه و نزدیکی دولت مستضعفان! به امپریالیستها و بیگانگی آن با توده های محروم میهن ماست.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

ت. الف - ۱۶

**رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی  
دمکراتیک خلقهای ایران است**



# جنگ ایران و عراق و تحکیم...

بقیه از صفحه ۱۲

برای هیئت حاکمه دربار ساری ارتش ایجاد کرده است. علاوه بر اینها سباه پاسداران که تحت نفوذ حزب جمهوری اسلامی است با ارتش سرکست موقعیت برتر در زمینه سرکوت توده ها، که نمودی از تضاد بین لیبرالها و سران حزب، حزب جمهوری اسلامی است، مواضعی بر سر راه بازسازی ارتش ایجاد کرده بود.

ما در کردستان و سایر مناطق شاهد بروز اختلافات بین ارتش و سپاه پاسداران (علیرغم وحدت کاملشان در سرکوت توده ها) بوده ایم. حزب جمهوری اسلامی که سپاه پاسداران را تحت نفوذ خویش داشت سعی میکرد برای کسب موقعیت برتر در هیئت حاکم، سپاه را در برابر ارتش (که تحت نفوذ لیبرالها میباشد) تقویت کند. این تلاش حزب جمهوری اسلامی بویژه پس از کشف کودتای اخیر بسیار چشمگیر بود. سپاه پاسداران که از لحاظ تعداد دیمتران کمتر از ارتش بود و از لحاظ کیفیت نظامی و آموزش در سطح پایینتری نسبت به ارتش که تحت نظارت مستشاران آمریکایی تربیت شده و آموزش دیده قرار دارد، علیرغم تبلیغات و تمایلات وسیع و سوخته دلانه ایوریوسینهای "کمیند مگر" فقط به سلاحهای سبک مجهز است، از لحاظ نظامی قابل مقایسه با ارتش بوده و در سطح بسیار پایینتری نسبت به آن قرار دارد. این وضعیت بویژه هنگامی که جنگ دامنه وسیعی بخود میکرد و ضرورت استفاده از سلاحهای سنگین و نیروی هوایی بمباران میآید آشکارتر میشود. این ضعف حتی وقتی که جنگ در کردستان دامنه وسیعی بخود میگرفت آشکارا چشم بینجورد، خلاصه سباه پاسداران

نیروئی است که در جنگهای محدود و جهت سرکوت توده ها میباید نفسی داشته باشد و در جنگ های وسیع بویژه جنگ پس و پیشها که شکل کلاسیک بخود میگیرد و ضرورت شرکت نیروهای زمینی، دریائی و هوائی مطرح میشود نفس موفری نخواهد داشت.

شروع جنگ وسیع بین ایران و عراقی این برتری ارتش را به نحو چشمگیری آشکار ساخت. حاکمیت کونی که بنا به ماهیت خویش اعتقادی به مسلح ساختن توده ها ندارد و بعضی اتکاء به نیروی توده ها را رگانه های سرکوت بورژوازی متکی می باشد. می باشد هم در جنگی ارتجاعی به ارتش مداخلی متکی گردد.

شروع جنگ بین ایران و عراقی این فرصت را به لیبرالها داد که پس از پیش و پس سرعت نسبی مانندی در جهت بازسازی ارتش اقدام کرده و به تقویت مودم ارتش در برابر سپاه پاسداران بپردازند.

امروزه تنها تجهیزات ارتش با خریدهای گزاف از اسرئیل تسلیحات تکمیل میگردد بلکه تعداد زیادی از افرادیکه پس از پیام بار بسته شده بودند به ارتش فراخوانده میشوند و حتی اعدام کودکان جاس متوقف میشود و بسیاری از آنها آزاد شده و به ارتش بازگردانده میشوند تا با اصطلاح دزدان مسلح از "استقلال" و "آزادی" میهن تحکیم.

در طول این جنگ ارتجاعی ترین سپرانو مبره های ارتش پیش از این موقعیت خود را نسبت نموده و در جهت برقراری واحیات نظامی در ارتش تلاش می کنند. و بدین ترتیب ارتش بین ارتش مسخیم کشته ارتجاعی ترین عناصر موقعیت خود را مستحکمتر می سازند.

### ۳- تطهیر ارتش:

توده ها که در مبارزات خونین در شمال ارسام در همد هم سپرور ماه و غیره و در بر و سه تمام و پس از آن در تجربه شخصی خویش و در تجربه ما هیت مدخلی ارتش را در می یابند و افسا گری نیروهای فدائی این پروسه آگاهی توده ها را تسریع کرده بود. بنا بر این تا که علیرغم کوشش ها و تلاشهای هیئت حاکمه توده های مکرده اعتماد جدیدی به ارتش

بناستند پس ارتشرو حاکم، تبلیغات دامنه داری در جهت تسلیحات ارتش و مبره های ارتش دادند، بعد از آن آغاز کسب است. هم تا بنده خاسبه سران سازشکار حشرده سوز و آزی از ارتش وهم تبلیغات دامنه داری وسیع رسانه های گروهی که حقیقت ارتش و تبلیغ به نفع ارتش بخش مهمی از بر ما مدهای آنها را تشکیل میدهد، شرایط را بوجود آورده است که در مقیاس وسیعی بر توهیم توده ها دامنه زده میشود و حسن و اتمود مکرر در ده گویا ارتش مدافع منافع ر حتمکسان و خلیشهای تحت ستم ایران است و بدین ترتیب بر خیانت ها و خیانت ها شکایت ایران ارتش در حال توده ها مرتکب شده و میشود آب بطهر ریخته شده و از آن بعنوان سبای توده ای که تحت هدیده توده ها سبب یاد میشود.

این تبلیغات موجب کسرتش اعتبار و ابوریسه ارتش در میان توده ها کشیده و رمنده را برای اقدامات ارتجاعی بعدی ارتش فراهم میسازد. خلاصه کنیم: جنگ موجب کرد که ارتش محتر و مسخیم بر

کردند و نیروها و مبره های ارتش درون ارتش نفوذ کسبه از موقعیت بهتری برخوردار گردیدند، ارتش را با نورت و اعتباری در میان توده ها برخوردار گردید و توده ها در مورد ارتش دامنه زده شود و بدین ترتیب هم ارتش برای سرکوت توده ها در آستانده از نوعیت و توان بهتری برخوردار گردید و هم شرایط برای اجرای کودتاهای احتمالی توسط ارتجاعی ترین محافل وابسته سب سوز و آزی بزرگ فراهم کرد.

اینک تقویت ارتش به سر توده های ر حتمکسان و طبقهای تحت ستم مسیلمان و کلیه نیروهای انقلاب با شتاب و سرعت بی سابقه ای انجام میشود. تقویت ارتش بمعنی زمینه سازی برای سرکوت کسرتش در حقیقت انقلابی و فراهم آوردن شرایط برای برقراری مجدد سلطه سوز و آزی بزرگ است. مبارکست که لیبیسب ها و ما سر نیروهای انقلابی موظفند با تمام توان خویش این سیاست ارتجاعی و ضد انقلابی هیئت حاکمه را افسا نموده و حشرات تقویت ارتش را برای توده ها توضیح دهند.

## گراهی با دیاد...

بقیه از صفحه ۱۶

راه رهایی پرولناریا دید. برای آنها کسی که با شور و عشق بی پایان در دل کوه و جنگل زیر آفتاب سوزان بی آب و غذا زولیده و کتیف بدنیال زندگی بهر برای توده ها باشد، نه تنها ما جراجو بلکه دیوانه نیز حساب می آید، آخر آنها ایستاد و فهمیده اند که باید تا تنهای جدا یافته از توده ها بود.

بهر حال "جه کوارا" علیرغم برخی از خطاها و ضعفهایی که داشت، توانست نفسی ارزنده و بس مهم در پیروزی انقلاب رها نیبخش ر حتمکسان کوبا ایفا کند و برای نسل های آینده الکوی درخشان ارتش پرور بی باکی و مظهر عشق و ایمان به آرمان کارگران و ر حتمکشان باشد. "جه" پس از انقلاب پیروز شد کوبا - در مقام وزیر صایس و ریاست بانک ملی کسور - خدمات ثابتی را در حفظ دست آورده های انقلاب و تحکیم و تقویت حاکمیت کارگران و ر حتمکشان انجام داد و سپس راهی بولیوی شد تا در آنجا نیز آتش حشم کارگران و ر حتمکشان را علیه رژیم بارنتیکو شعله ور تر سازد و در مقام بکر رهبر مجرب که نجر به انقلاب کوبا را با خود دارد رهبر و سازمانده جنگ طبقاتی در این کشور باشد. منتهی از آنجا که

در نظر نمیگرفت که شرایط و وضعیت بولیوی با کوبا... اختلافی اساسی دارد و بسیاری از عیاشان تجربه را در اینجا بیاد کرد دچار استیسا و وحشتناکی شد که در ارتش محکوم به عدم موفقیت و شکست بود، تلاشی وسیع که با سربالایسم و رژیم بارنتیکو برای سر به نیست کردن او آغاز کرده بودند به نتیجه رسید و قبل از آنکه سیاست و منی غیر واضح ببینانه چه "با سکست" مواجه شود دستگیر شد و در روز نهم اکتبر سال ۱۹۶۸، بشکل جمعی او را به قتل رساندند.

مرک "جه کوارا" قاره آمریکا را متاثر کرد. برای انقلابیون چینی بخصوص کوه و بیستها اردست دادن "جه" صایسب های بزرگ بود. اما مصمم تر از پیش راه پرافتخار "جه" را که همانا رهائی ر حتمکسان و نیل به سوسیالیسم است، ادامه دادند و پرجم شرح رهایی را بر افراشته تر از پیش بدوش کشیدند. تبدیل گاسر در باره "جه کوارا" میبوسد: "جه کوارا" نظیر یک فرماندهی نظیر بود. او از نقطه نظر نظامی فردی فوق العاده شایسته، فوق العاده شجاع و فوق العاده رزمنده بود. ... نبرد و پیروزیهای لاس ویلا و سائنا کلارا از او بکر رهبر فوق العاده شایسته، یک استاد و بکر هنرمند جنگ انقلابی ساخت. جه ضمن رهبری عملیات، بدنه های چریکهای ر حتمی، بلکه با همان بوجدت سربازان مجروح دشمن را معالجه میکرد.

با اتکاء به نیروی توده ها برای صلح ده مگر اینک در کردستان بگوشی

● پاسخی به

روزنامه جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۱

زحمتکش میهن ما ست ناشی می شود. اما نویسندگان این روزنامه باید بفهمند که با فحش و دروغ پردازی و از طریق جعل و تحریف حقایق نه تنها نمیتوانند درهای به حیثیت پرافتخار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران خدشهای وارد سازد بلکه بیش از پیش ما هیت ضد خلقی و هوچیگریهای خود را برای مردم روشن می کنند. ده سال سابقه درخشان و مبارز میبگیر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران علیه امپریالیسم، رژیم مزدور شاه، سرمایه داران وابسته، و نمای ایادی و مزدوران امپریالیسم که مسحون از جانبازیها و فداکاریهایی فدائیان خلق بوده است، مشت محکمی ست بدهان یا و سرایان و پادوان امپریالیسم و سرمایه داران وابسته.

هم میهنان مبارز ما اکنون دیگر آگاهند که فدائیان خلق دشمنان سوگند خورده و آشتی زاید بر امپریالیسم و سرمایه داران وابسته بود هرگونه سنی در کنار توده ها تا پای جان ایستادمانند.

توده های زحمتکش میهن ما باید قضاوت کنند که آیا فدائیان خلق که در دوران رژیم شاه، به نیروی مسلحانه با آن برخاسته و بشهادت رسیدند و یازندان های رژیم شاهانیا شعرا را آنها بود، وابسته به رژیم شاه و امپریالیسم هستند یا رهبران حزب جمهوری اسلامی نظیر بهشتی ها، آیت ها و...؟

هنکا میکهد فدائیان خلق قهرمانان علیهم رژیم شاه و سرسپردگان آن مبارز میگردند رهبران حزب جمهوری اسلامی و پادوان سرایان روزنامه جمهوری اسلامی کجا بودند؟ آیا جز این است که به مدح و نثای آریا مهربی مشغول بودند؟

آیا فدائیان خلق وابسته به امپریالیسم و سرسپردگان آن هستند یا رهبران حزب جمهوری اسلامی نظیر بهشتی که با ما مورین "سیا" نظیر هنری تاک هوپرز و امثالهم تماس می گیرد؟ آیا فدائیان خلق مزدورند یا آیت ها که سابقه خیانتها و مزدوری آنها بر توده های زحمتکش میهن ما روشن و آشکار است.

روزنامه جمهوری اسلامی بعنوان مدافع منافع سرمایه داران، از اینکه ما در اطلاعیه خود ارتش را ضد خلقی معرفی کردیم، دیوانه وار فحاشی می کند و سازمان ما را وابسته به رژیم عراق و سرسپردگان رژیم شاه معرفی می کند. اما ما از این اتهامات هراسی نداریم. حقیقت را بمردم می گوئیم و هر روز حقایق برای مردم مبارز میهن ما بیشتر آشکار می شود. بگذار مدافعین سرمایه داران و دشمنان کارگران و زحمتکش هر چه میخواهند بگویند. ما در زمره کسانی که تسلیم فشارشان نژاد و جوحاکم می شوند، نیستیم. ما در همان حال که ما هیت ارتجاعی و ضد خلقی رژیم عراق را افشاء می کنیم و از نیروهای انقلابی و توده های زحمتکش عراق می خواهیم که در جهت سرنگونی آن تلاش کنند، وهم مینان مبارز خود را بمبارزه علیه ارتش ضد خلقی و تجاوز کار عراق و مقاومت در برابر آنها فرامی خوانیم، در همان حال نیز ما هیت حاکمیت و ارتش ضد خلقی ایران را نیز افشاء می کنیم.

هم میهنان آگاه ما هیچگاه فراموش نمی کنند که رژیم جمهوری اسلامی نیز متاکنون چه فجایعی علیه توده های زحمتکش میهن ما و خلقهای تحت ستم کرد، ترکمن و عرب مرتکب شد و ارتش ضد خلقی چه در دوران رژیم شاه و چه امروز دست بجنایات هولناکی زده است. کمونیستها هیچگاه بمردم دروغ نمی گویند و حقایق را برای آنها توضیح میدهند.

پس از قیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اولین سازمانی بود که حاکمیت را افشاء کرد و ما هیت لیبرالها را بهمه نشان داد، اما روزنامه جمهوری اسلامی از دولت موقت دفاع میکرد، هنگامی که تیمسار مدنی مزدور در خوزستان به سرکوب زحمتکش دست زد، سازمان ما ما هیت ضد خلقی او را افشاء کرد، اما روزنامه جمهوری اسلامی بدفاع از او برخاست و ما را وابسته معرفی کرد، اما گذشت زمان بمردم نشان داد که سرسپرد هو وابسته چه کسانی هستند.

امروز نیز ما بعبوض حمایت از تقویت ارتش ما هیت ضد خلقی آنرا افشاء می کنیم و شعرا را تسلیح توده ها را می دهیم، اما بدیهی ست که این شعار بمذاق سران حزب جمهوری اسلامی خوشایند نباشد، چرا که خلق مسلح برای سرمایه داران، زمینداران و تمام وابستگان به امپریالیسم بلای عظیمی است. بهمین علت نیز حاکمیت پس از قیام منتهای تلاش خود را بکاربرد تا به خلق سلاح مردم بپردازد. آیا میتوان رژیمی را سراغ گرفت که به توده ها منگی باشد، و از منافع آنها حمایت کند، اما از مسلح کردن توده ها در هراس باشد؟

رژیم جمهوری اسلامی بدین علت از تسلیح توده ها می هراسد، ارتش ضد خلقی را تقویت می کند و به فحش و دروغ علیه فدائیان خلق متوسل می شود که میداند، خلق مسلح نه تنها در مقابل ارتش مزدور عراق ایستادگی خواهد کرد، و بپوزه آنها را با خاک خواهد مالید بلکه برای مردم دوران داخلی و سرمایه داران وابسته ایران نیز ایستادگی خواهد کرد.

بنا بر این روزنامه جمهوری اسلامی حق دارد بدمانها بزند و بدروغ و فحش متوسل شود، اما ما از منافع توده های زحمتکش دفاع می کنیم و حقایق را بنوده ها می گوئیم.

خوانین مزدور قشقائی

عسلیه خلشق

توطئه میکنند

خوانین مزدور قشقائی که تا دیروز مورد لطف و حمایت هیئت حاکمه بودند و مشترکاً به سرکوب دهقانان و دیگر زحمتکشان فارس می پرداختند، امروز به شکلی دیگر خود را برای سرکوب و اعمال ستم بر توده های زحمتکش فارس آماده می کنند.

بر اساس اخبار موثق در نزدیکی کوههای دارنگون و سیخ واقع در ۲۰ کیلومتری شیراز، خسرو و ناصر قشقائی این مزدوران سرسپرده امپریالیسم آزادانه مشغول جمع آوری و سازماندهی چریکهای مزدور محلی هستند. آنها با بکار گرفتن سایر مزدوران فراری از قبیل سهراب کشکولی (که چندی پیش دستگیر، اما خیلی زود آزاد شد) و همچنین حسین خان فارسی و تعدادی دیگر از خوانین مزدور مشغول راهزنی و توطئه علیه توده های زحمتکش هستند در حال حاضر، پس از غروب آفتاب عملاً عبور و مرور در جاده های فارس دشوار شده است. اکنون هیئت حاکمه باید بمردم پاسخ دهد که

چرا از این مزدوران حمایت کرد و چرا قشقائی این عنصر شناخته شده سیا و ساواک را آزاد کرد؟ چگونه آزادانه مشغول جمع آوری نیرو، تجهیزات و توقف است؟ مردم سئوال می کنند که چگونه هیئت حاکمه بر سر راه افرادی که از جانب سازمانهای انقلابی برای نمایندگی مجلس معرفی شدند هزاران اشکال تراشید اما مزدوری چون خسرو قشقائی را مورد تائید قرار داد. مردم سئوال می کنند که چگونه در حالیکه هم اکنون خسرو قشقائی با سایر خوانین فارس از قبیل محمدخان ضرغامی و خوانین بویرا احمد و شهبازی علیه توده های زحمتکش توطئه می کنند، دولت جمهوری اسلامی نیروهای انقلابی را زیر شدیدترین فشار قرار داده و زحمتکشان کرد را سرکوب می کند؟

\*\*\*\*\*

هم میهنان مبارز!

دولتهای سرمایه داری در پوشش جنگ های میهنی، هدفی جز پیشبرد منافع سرمایه داران و پایمال کردن حقوق زحمتکشان ندارند. همراه با افشاء ماهیت این جنگ تحمیلی و جنایتکارانه توده ها را مسلح و در هسته های مقاومت توده ای، با هرگونه تجاوزی بمقابله برخیزیم.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

ب. الف - ۱۴

استقلال - کار - مسکن - آزادی

# • اخراج و ممنوع التدریس کردن معلمین مبارز و آگاه

"مدیریت" و "ریاست"، دبستانها و دبیرستانها و راهنماییها، بود. این افراد در آینده موظف خواهند شد که سیستم اطلاعاتی و ردیابی معلمان آگاه و انقلابی را در مدارس ایجاد کنند. در قدم بعدی آموزش و پرورش اخراج دانش آموزان هوا دار سازمان های انقلابی و متزقی را در نظر دارد.

ساواکی و سرسپرد ما خراجی کند تا باین ترتیب خود را از زیر ضربه خلاص گردانند. اما، مسئولان آموزش و پرورش هشتمین برای اینکه معلمان آگاه را اخراج و یا ممنوع التدریس کنند، قبلاً اقداماتی انجام دادند. نخستین اقدام آنها، اعزام معلمان و دبیران مرتجع و وابسته به حزب جمهوری اسلامی برای دیدن دوره های مخصوص

در اولین روزهای سال تحصیلی جدید، آموزش و پرورش هشتمین به پیروی از دستورالعمل های مرکز، اخراج و ممنوع التدریس کردن معلمان انقلابی و مبارز را آغاز کرد. تنها در هشتمین ۱۷ معلم انقلابی و مبارز اخراج شدند. البته مسئولان آموزش و پرورش وهیئت های پاکسازی، به طرز فریبند موبی شرمناک این معلمان را همراه معلمان

# هسته های سرخ ...

بقیه از صفحه ۴

می دادند اما از آنجا که در یک سیستم غیر اصولی قرار داشتند، نتوانستند آنچنان که باید کاری از پیش ببرند و مادر این نوشته هدفان بررسی - اجمالی سیستم حاکم بر "کمیتة - کارگری" سازمان بودند جزء جزء آن.

۱ - هسته های سرخ کارخانه،  
ضرورت و توجیه آنهاد را در مبارزه با توجه به اینکه جنبش کمونیستی ایران در شرایط کنونی، تشکیل حزب انقلابی طبقه کارگر را هدف مرحله ای خود قرار داده است صرف نظر از چگونگی پروسه تشکیل حزب طبقه کارگر در ایران و جوامع مختلف، که در شماره هائی از "کار" آمده است، فقط به ذکر خصوصیات چند از حزب انقلابی پرولتاریا اکتفا می کنیم. "حزب عالیترین شکل سازمانی پرولتاریاست". "حزب، دسته متشکل طبقه کارگر است".

"حزب، پیشاهنگ سیاسی طبقه کارگر است". "برای آنکه حزبی، حزب طبقه کارگر باشد، باید پشتیبانی طبقه کارگر را بدست آورد". همچنان که از جملات لنین رهبر کبیر کارگران جهان پیدا است می توانیم بگوئیم که: یکی از فاکتورهای اساسی در ایجاد حزب طبقه کارگر، رسیدن به آن شرایطی است که برضیان نبض جنبش طبقه کارگر احاطه داشته باشیم. زمانیکه قادر به سمت دهی، سازمان دهی، و رهبری بخش عظیمی از جنبش طبقه کارگر باشیم. زمانیکه "هر کارخانه دژ ما باشد". و "ستاد رزمنده پرولتاریا" را تشکیل داده باشیم.

مسئله "تحقق جنبش مسئله ای بدون - نفوذ در طبقه، بدون برقرار کردن رابطه سیاسی - تشکیلاتی با کارگران امکان پذیر نخواهد بود. همچنین واضح است که چگونگی نفوذ در طبقه و برقراری ارتباط با کارگران، از کانال استقرار هسته های سرخ کارخانه در واحدهای کارگری جامعه عمل بخود می پوشاند و همانطور که گفتیم به بررسی این هسته ها خواهیم پرداخته نه به چگونگی پروسه تشکیل حزب انقلابی طبقه کارگر در ایران. اما قبل از آن بهتر است که رابطه بین هسته های سرخ و حزب را تا حدودی مشخص نمائیم. هسته های سرخ کوچکترین واحد سازمانی ما هستند. این هسته ها - بمثابه کوچکترین ارکان حزبی عمل می کنند! یعنی بطور مشخص هسته های سرخ کارخانه، کانال متحقق کردن - پیوند ما با طبقه است. ادامه دارد  
\* البته نشریه مرکزی نیز خود جای انتقاد دارد و مسلماً رابطه منقالبی بین ایندو برقرار است و نباید تمام گناه را به گردن نشریات محلی انداخت.



# کیمیان: جنگ خیلی خوب است

کشورهای صنعتی ۶ میلیارد دلار از جنگ ایران و عراق سود برده اند

صفحه ۱۰  
چهارشنبه ۹ مهر ماه ۱۳۵۹  
بیست و یکم ذیحده ۱۴۰۰ - شماره ۱۱۱۰۶

کشورهای صنعتی ۶ میلیارد دلار از جنگ ایران و عراق سود برده اند

# کیمیان

ایران میتواند لوازم یدکی ساخت آمریکایی مورد احتیاج خود را از کشورهای دیگر وارد کند

# انقلاب اسلامی

گفت بعضی از لوازم یدکی ساخت آمریکا ممکن است از کشورهای دیگری خریداری شود که تحریم اقتصادی را علیه ایران اعمال نکرده اند این سخنان محاطانه را اظهار هرگونه مطلبی راجع به تاثیر کمبود لوازم یدکی در جنگ کنونی ایران با عراو خودداری کرد.  
خبرگزاری فرانسه از واشنگتن: با وجود تحریم اقتصادی آمریکا که به اندازه گزافان گرفتن آمریکا تنها در تهران به مرحله عمل درآمد، ایران ممکن است بتواند لوازم یدکی برای سازو برگ نظامی خود را تهیه کند. جنگا نون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا روز سه شنبه به خبرنگاران

پنجشنبه ۳ مهر ماه ۱۳۵۹ - شماره ۳۶۱

# رئیس جمهور در مصاحبه تلفنی با رادپوی اروپا

چهارشنبه نهم مهر ماه ۱۳۵۹  
۱۴۰۰ - ۱ نوامبر - ۱۹۸۰ شماره ۱۹۰

ما موفق شده ایم قطعات یدکی برای ابزار جنگی و نظامی خود بحد کافی تامین کنیم

خبرگزاری پارس مسئول از ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهوری ایران در یک مصاحبه تلفنی با رادپوی اروپا که دیروز انجام شد اعلام کرد کشورش موفق شده است قطعات یدکی برای ابزار جنگی و نظامی خود را بحد کافی برای جنگیدن تا روزیکه سرزمین های ایران بطور کامل از زیر یوغ غاصبین آزاد شود تامین کند.

# میزان

آیا باز هم در اینکه جنگ وابستگی به امپریالیسم آمریکا را افزایش میدهد جای شکی میماند؟

آیا باز هم در اینکه جنگ در خدمت امپریالیسم آمریکا است جای حرفی باقی میماند؟

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

ت الف ۱۵

# پیروزباد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

# جنگ ایران و عراق

## و تحکیم موقعیت ارتش

بررسی جنگ ارتحای دولتهای ایران و عراق از تمام زوایا و جوانب از جمله اثرات آن بر ارتش ضد خلقی در چنین لحظات حساسی دارای اهمیت فوق العادهای است.

این جنگ صرف نظر از بدبختیها و مصائب فراوانی که برای توده های زحمتکش میهنمان بارمغان خواهد آورد، تغییراتی در موقعیت نیروهای مختلف بوجود آورده و موجب تقویت موضع لیبرالها و تقویت و قدرت گرفتن ارتش ضد خلقی خواهد گردید.

امروزه سوسیال فرمیستهای "کمیتة مرکزی" با تبلیغ جنگ میهنی و انقلابی توسط هیئت حاکمه از همکاری پنهان به همکاری آشکار با هیئت حاکمه روی آورده و توده ها را به جنگ تحت رهبری بورژوازی ضد خلقی فرا میخوانند. آنها با شور و حرارت مخصوصی با تبلیغ "دفاع طلبی" شوونیستی، زحمتکشان را برای پیوستن به نیروهای مسلح تحت رهبری بورژوازی ترغیب نموده، ارتداد دوروی بر گرداندن کامل خود را از خط مشی انقلابی و پیوستنشان را بصوف بورژوازی اعلام میکنند.

هر دو جناح اصلی بورژوازی حاکم علیرغم اختلافات و رقابتشان در کسب موقعیت برتر در قدرت دولتی، ارتش را تطهیر نموده و با تقویت و بازسازی همه جانبه آنرا لشکر اسلام و منجی "مستضعفین" به توده ها معرفی می کنند.

امروزه رسانه های گروهی و در تبلیغات مختلف رژیم جمهوری اسلامی، تقویت ارتش و دفاع از آن در سر لوجه برنامه ها قرار گرفته و هرگونه تبلیغی علیه

ارتش ممنوع اعلام گشته است.

رژیم جمهوری اسلامی در تقویت ارتش تا بدانجا پیش رفته که حتی برخی از فرماندهان ارتش را که پس از قیام بهمن ماه بازنشسته شده بودند و یا حتی برخی کسانی را که با اتهام شرکت در کودتا در زندان و در انتظار محاکمه بسر میبردند به خدمت بازگردانده است. ارتش ایران که تحت نظارت مستقیم مستشاران آمریکائی سازماندهی و تربیت شده با سلاحهای غربی و بویژه سلاحهای مدرن آمریکائی مجهز است. در جریان قیام و مبارزات قبل و بعد از آن

ضربات سنگینی را متحمل گشته است و علیرغم تمام تلاشهای هیئت حاکمه در جهت بازسازی و تقویت آن پس از قیام، فاقد انسجام، قدرت و نظم سابق میباشد. این ارتش که بجز تغییر برخی مهره های فرماندهی تغییرات اساسی و نیلیدی در آن صورت نگرفته و پس از قیام همچنان نقش ضد خلقی خود را در هر کوب مبارزات خلق کرد و ترکمن و سایر خلقهای تحت ستم ایران بخوبی آشکار ساخته است، امروز با شتاب بی سابقه ای تقویت و بازسازی میشود. تقویت ارتش بطور کلی از سه جنبه زیر قابل بررسی است:

### ۱- از لحاظ تجهیزات نظامی:

ارتش ایران همانطور که میدانیم از لحاظ تجهیزات متکی به امپریالیستها و در درجه اول امپریالیسم آمریکاست اغلب تجهیزات نیروی هوائی و هواپیماهای مختلف جنگی نظیر اف پی ۷، اف ۴، چهارده و غیره از آمریکا خریداری شده است سیستم کنترل رورادار هانی زعمد تا

آمریکائی است. سلاحهای نیروی زمینی و دریائی از دولتهای امپریالیستی خریداری شده است.

ارتش ایران از لحاظ تجهیزات نظامی کاملاً وابسته به امپریالیستهاست. مهمات جنگی و وسایل و قطعات یدکی نیز تنها میتواند از امپریالیستها تامین شود. با توجه به احتیاجی که ارتش به تامین مهمات و وسایل یدکی برای جنگ گسترده کنونی دارد، شکی نیست که ناچار است برای رفع نیازمندیهایش به امپریالیستها روی بیاورد و هم اکنون نیز روی آورده است.

روزی پنجمین ماه روزنامه انقلاب اسلامی بنقل از خبرگزاری فرانسه درواشنگتن نوشت: "با وجود تحریم اقتصادی آمریکا که بعد از بمباران گرفتن آمریکا علیه تهران بمرحله عمل درآمد ایران ممکن است بتواند لوازم یدکی برای ساز و بوم نظامی خود را تهیه کند.

جنگ کنونی سخنگوی وزارت خارجه آمریکا روز سه شنبه به خبرنگاران گفت بعضی لوازم یدکی ساخت آمریکا ممکن است از کشورهای دیگری خریداری شود که تحریم اقتصادی را علیه ایران اعمال نکرده اند" (انقلاب اسلامی پنجشنبه ۳ مهر - تاکید از ما است).

البته واضح است خرید لوازم یدکی ساخت آمریکا از کشورهای دیگر تغییری در اساس مسأله نخواهد داد. و نه تنها در آمد حاصل از فروش این لوازم مستقیماً بجیب انحصارات آمریکائی سرازیر خواهد شد بلکه علاوه بر آن درصدی نیز نصیب دولت واسطه خواهد شد.

چند روزی از اظهار نظر جنگ کاغذی گذشته بود که روزنامه میزان بنقل از خبرگزاری پارس نوشت: "خبرگزاری پارس بنقل از خبرگزاری فرانسه در پاریس - ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهوری ایران در یک مصاحبه تلفنی با رادیوی اروپا که دیروز انجام شد اعلام کرد کشورش موفق شده است قطعات یدکی برای ابزار جنگی و نظامی خود را بحد کافی برای جنگیدن تا روزی که سرزمینهای ایران بطور کامل از زیر بوغ غاصبین آزاد شود، تامین کند"

(میزان، چهارشنبه نهم مهر تا کیدازماست) البته منبعی که این لوازم از آن تامین شده است ذکر نگردیده است ولی روشن است که این منبع اگر خود دولتهای امپریالیستی نباشند یکی از دولتهای دست نشانده آنها است. آقای بهشتی در مصاحبه پنجشنبه خود که در روزنامه جمهوری اسلامی چاپ شده است صراحتاً تعمیر هواپیماها را در یونان (یونان سوهنگل) پذیرفت. این خریدها ضمن آنکه سود کلانی را به جیب انحصارات آمریکائی سرازیر میکند دولت را وادار خواهد کرد امتیازات بیشتری به امپریالیسم آمریکا بدهد و بیش از پیش ایران را وابسته به امپریالیسم آمریکا سازد. بدون چنین خریدها نمی بود حمایت امپریالیسم آمریکا در زمینه تامین قطعات یدکی و مهمات جنگی دولت ایران به هیچوجه قادر به ادامه جنگ نخواهد بود این خریدها همچنین ارتش را مجهزتر خواهد ساخت تا بتواند بهتر، بیشتر و وسیع تر به سرکوب توده ها

### ۲- منجم تر شدن ارتش و تقویت مواضع در برابر سایر نیروهای مسلح:

ارتش در جریان قیام پس از آن ضربات سنگینی خورد و انسجام درونی و نظم بورژوازی حاکم بر آن درجا خلال گردید، علیرغم کوششهای هیئت حاکمه بویژه لیبرالها برای بازسازی ارتش، ارتش فاقد انسجام و نظم سابق است. برخی از فرماندهان پیش از قیام بازنشسته شدند برخی دیگر در جریان کشش توطئه کودتا دستگیر شدند فعالیت پرسنل انقلاب در درون ارتش گسترش یافته و مشکلات فراوانی بقیه در صفحه ۱۱

# زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند





خاطرات یک رفیق از همایون  
کتبیرائی در زندان

# آنچه از همایون آموختیم

ساواک مرتب زندانیان را از زندانی به زندانی دیگر و از سلولی به سلول دیگر منتقل می کرد. و در جریان چنین نقل و انتقالانی بود که یک روز، در تابستان ۱۳۵۸، در زندان قدیمی اوین، همایون کتیرائی از سلول های انفرادی به اتاق عمومی ما منتقل شد.

پیش از آن بطور پراکنده چیزهایی درباره او شنیده بودیم. می دانستیم که او همان کسی است که ساواک در اوائل فروردین ۵۰، خبر تحریف سدهای را در رابطه با او در صفحه حوادث روزنامه ها چاپ کرده بود. مضمون خبر این بود که ما مورین به دونفر مشکوک می شوند و یکی از آن دورا دستگیر می کنند اما فرد دوم با سلیک کلولهای فرد دستگیر شده (حسین کریمی) را بقتل می رسانند و می گیرند.

در جریان بازجویی و محاکمه، همایون گفته بود که ما مور را هدف قرار داده (که گویا کلولده فاسق و کرم پیدا و خورده و کمانه کرده بود) و حسین کریمی در آن شلیک متقابل ما مور به شهادت رسید. ما سب و وقتی ما در زندان کم و کیف قضا با او را می پرسیدیم ترجیح می داد که با لجنند معنی داری سکوت کند. ولی بهر حال این اموارد ان تمام او همایون، ساواک، ناصر کریمی (برادر حسین) را به اتاق بازجویی پیش همایون آورد و باز جویا گفتند: ببین، قاتل برادرت را کوفتیم! سپس سلاق را بسوی او دراز کردند که بگیر دو همایون را با سلاق بزنند. ناصر، که مدتی پیش از همایون دستگیر شده بود از مشاهده شدن شکنجه دید همایون محبوس، حالتی نزدیک به جنون یافته بود. او بیسرفت تا سلاق را بگیرد و باز جویا را با تمام جسم و کینه بی پایانش در زیر ضربات سلاق قطعه قطعه کند. باز جویا وحشت زده از حالت نکاوه چهره، آموخته شد به گونه که چنان استباهی کرده اند. بسا دسواری سلاق را از دست او خارج کرد و جویا خودش افتاده بودند. رفقای آلمان خلق، تنها اسطوره شجاعت و مقاومت نبودند. اسطوره عشق و محبت نیز بودند. عشق بیکران به خلق و محبت بی پایان به یکدیگر. دلپستی این رفقا به یکدیگر و پیوسته عشق سرسار از سالی پیش و احترام آنان نسبت به همایون، چیزی در حد افسانه بود. و نقل می کردند که چگونه در سلول های انفرادی قتل قلعه، هوسنگ ترکل با استفاده از غفلت نگهبانان در هنگام رفتن به دستسویی، در سلول همایون را با زکریه بودند و این دور رفیق یکدیگر را در آغوش گرفته عرق بوسه کرده بودند. این یک قانون شکنی بزرگ و یک عمل بسیار منهورانه در زندان های ساواک بود، اما این بوسه های رفیقانه آمیخته به اشک شوق، ارزش هرگونه تنبیهی را داشت.

# گواهی با دید انقلابی کتیر رفیق چه گورا



انقلاب گویا را معدود کسانی است که تا از جای تجارت برارری از هم می بود ها و اصول و اسامی جنگ های تاریخی و امور مربوط به کار سیاسی و فعالیت های انقلابی است.

گورا "در آمار از رزمی خون: اسان و سوسالسم در گویا - جنگ تاریخی یک روزی مبارزه - خاطرات جنگی های رها نیکس گویا - خاطرات بولونو... تجارت انقلابی حدود مسائل انقلابی با رها نیکس گویا را سورا سورا کرده و در احسان انقلابیون چنین تکرار دادند.

"چه گورا" انقلابی کمروزی از همیون بر حسب انقلاب پیروز می گویا است که ما سالی با همیون در رها نیکس جنگی آمریکا لایس بیوندی خدا سالی ما قضا شد و تحسین انقلابی هموارها لکونی برای انقلابیون بود و هست.

عشق بی پایان "چه" به زمان کارگران و رزمندگان از یکسو و از دیواره دینش در مبارزه با امپریالیسم از سوی دیگر. او را آنجان قدر نماند و توانا ساخته بود که در فاصله گویا می توانست استعدادها و قابلیت های سیاسی و نظامی خود را تا حد بیکر رهبر بر جسته افزایش دهد و میانه رزمندگانی نمونه انسانی طراز بوی الکوی انقلابیون دنیا بود.

بگشاید و قصد کند که او را به بیرون برباند و سلاق را از دست او بیرون بکشد و متقابلاً به جانبی بیافتد. از همیون رو بود که در مراحل بازجویی و تا مراحل نزدیک به محاکمه، همیون به پای همایون زنجیر می زدند. در زندان قزل قلعه و برای مدتی سلول، خصوصی در پشت حیاط "ساقی" داشت و گاهی اجازه می دادند به حیاط بیاید و کمی آفتاب بخورد. صدای زنجیر پای همایون به هنگام راه رفتن، برای زندانیان قزل قلعه صدائی آشنا و جسم مقاومت و پایداری بود. صدائی که در دلها شور می زد و آفرید و آتش کینه را آتشفشان می ساخت. بخاطر همین شخصیت و رفتار بود که در برخوردهای با جویا و زندانیان نسبت به او و نیز هموارها آفرید و آتش کینه را آتشفشان می ساخت. "ساقی" رئیس مطلق العنان زندان قزل قلعه، با صراحت خاص خود می گفت: "ما فقط دور زندانی سیاسی واقعی با بحال داشته ایم. حسی روزی به همایون کتیرائی.

که تفاوت میان او و دیگران رحمت قابل تشخیص بود. خود همایون تعریف می کرد که چگونه در سلول های انفرادی او این یا های خود را به یک سمت دیوار و دست ها سر را به دیوار سمت مقابل تکیه داده بود و به این ترتیب در حالت معلق در هوا خود را بند ریج یا حرکت دادن دست و پا بالا کشیده بود تا کاملاً به سقف سلول - که ارتفاع زیادی داشت - چسبیده بود. و آنقدر در آن بالا مانده بود صحنه های بیرون از پنجره سلول که نزدیک به سقف بود - که نگهبان سر رسید بود و با وحشت متوجه شده بود که سلول خالی است. بالاخره نگهبان ها همایون را که هنوز به سقف چسبیده بود پیدا کرد و به بند و با لنتس و نضرع (بخاطر ترس از مواخذه ما فوق) خواهش کرده بودند که پائین بیاید. وطبعاً کسی که چنین کاری می کند هم از نظر طول قد و هم از نظر قدرت بدنی با آدمهای حد متعارف، تفاوت محسوسی باید داشته باشد.

همین که همایون به جمعیت بیست نفره ما ملحق شد، جو اطباق بطور ناگهانی تغییر کرد. حضور همایون به همه گرمی و امید می داد، به کسانی که زیر بازجویی بودند قوت قلب می داد. بدگسائی که رفتن درستی بعنوان زندانی سیاسی نداستند آموزش می داد. در حضور او که بیک شهید زنده بود، کسی که چنین دلیرانه به مبارزه برخاسته بود و اکنون نیز در یک قدمی میدان نیر جیتگری و پیروزان همه شکنجه هم برابر می آورد، دیگر چکشی می توانست در اندیشه دسواری های زندان و چند ضربه سلاق باشد؟ (هر چند، خوشبختانه، در غیاب همایون نیز اینگونه زندانیان انگشت شمار بودند.) در حضور همایون هر کسی در حد توان خود می گوشید تا اخلاق انقلابی را در خود اعتلا بخشد و بر ضعف ها غالب آید.